

بلند میشود و هر چه آن وزیر حساسی باشد و خیالات بزرگی داشته باشد و بخواهد عملی بکند نمیتواند.

یعنی تجربیاتی که در این مملکت شده به ما نشان میدهد که یک کابینه پنج شش سال طول نمیکشد که آن وزیر خواسته باشد فکرش را بیرون اجرا بگذارد و از فکر وزیر معارف موسسه معارف استفاده بکند.

مایلک وزیر معارف دائمی لازم داریم و باید مدارس را از سیاست خارج کنیم که داخل در سیاست نباشد و یک وزیر معارف دائمی برای معارف درست کنیم منتهی اسمش را می گذاریم مدیر یا رئیس موسسه معارف که خارج از سیاست باشد مثل موسسه بلدیه موسسه صغیه.

دولت چند نفر از اشخاص را که شایسته و لایق این سمتند که کرسی معارف را بیاقتا (نه سیاست) اشغال کند مجلس معرفی کند آن وقت یکی از آنها را مجلس شورای ملی در تحت یک موادی مثل اینکه دکتر ملیسیو را برای ریاست مابله را در تحت یک موادی و شرطی بدست مینویسد استخدام کرد او را هم استخدام بکنند برای یک مدت معین که اگر یک مابلی در معارف ما پیدا شود معلوم میشود این آدم که یک مدتی متصدی بوده اینطور کرده و اگر مجامعی پیدا شده البته او این کار را کرده زیرا معلوم است که این مدت در تحت سرپرستی او بوده.

اینست که بنده موافق بودم با آن قسمت اول طرح و امضا هم کردم و دفاع هم می کنم و در کمیسیون هم با این رأی برتی که کمیسیون داده مخالف بودم ولی در اقلیت واقع شدم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقایانی که در دوره چهارم در مجلس چهارم تشریف داشته اند می دانند که آقای حائری زاده همیشه یک عقاید تنیدی داشتند که انشاء الله درصد سال دیگر شاید صورت بگیرد می فرمودند ما وزارت داخله نمی خواهیم یک مدیر تأمینات ما را کفایت می کند و وزیر معارف نمی خواهیم یک مدیر معارف کفایت میکند آن وقت مثل این شروط طوطی می شود.

همان (شیر بی همسر و اشکم که دید) است وزارت جنگ نمی خواهیم. امین ما را کفایت می کند وزارت پست و تلگراف نمی خواهیم.

متلا مملکت قانون اساسی هم نخواهد و حال آنکه اصل قانون اساسی است که بموجب آن وزراء مسئول مجلس شورای ملی هستند. شما همه اینها را که میفرمایند نمی خواهیم. وزیر مسئول داشته باشد. میفرمایند وزیر معارف سیاست می آید و سیاست می رود.

بله باید همین طور باشد. سیاست باید و سیاست برود. چرا برای اینکه اصل مشروطیت اینست که وزراء مسئول پارلمان و مسئول نماینده های ملت باشند و مجلس بیاید و طرف سؤال و استيضاح واقع شوند.

بنده نمیتوانم که در مجلس بیروا در تحت سؤال و استيضاح بیروم. شاهزاده سلیمان میرزا هم یک وقت فرمودند ما یک ماده شش در کنترانش گذراندیم که وقتی ما خواستیم در مورد سؤال وارد شویم گفتند چون ما آن ماده را گذراندیم نمیتوانید حرف بزنید.

حالا هم آدمیم و یک مدیری برای معارف برای مدت شش سال معین کرده ایم کنترات یا اجاره نامه اش هم در مجلس گذشت او هم رفت و مطابق با همان مواد (چنانکه امروز در بودجه وزارت مابله نمیتوانیم حرف بزنیم. زیرا رئیس مابله میگوید مطابق کنترانم ترتیب و نظام بوده در تحت نظر من است) آن مدیر معارف هم یک پروگرامی درست کرد. شش سال دیگر بکنند که خبر شدیم یک اشخاصی در آمدند که ابتدا نه سیاست مملکت ما مقتضی است نه عادات ما.

این است که باید وزیر معارف باشد و تاکنون در هیچ جای دنیا دیده نشده است که وزیر معارف نباشد حتی در دوره استبداد که هیچ وزارت خانه نبود وزیر معارف بود.

حالا ایشان می فرمایند وزیر معارف نباید باشد. عوض اینکه مجلس شورای ملی باید اهمیت به معارف بدهد و روز بروز معارف را ترقی بدهد و همه نظر مردم به معارف است و همه داد و فریاد مردم این است که فقر علمی داریم و در مملکتان عالم نیست. وزارت معارف ما قوت ندارد باید مجلس قوت بدهد وزارت معارف را در عوض اینها حالا ما بیایم بگوئیم وزارت معارف ملتی و مدیر معارف به جای آن معین شود؟ اصلا با اساس اینکه فرمودند بنده مخالفم.

باید وزارت معارف باشد و باید با سیاست هم بیاید و با سیاست هم برود. چرا برای اینکه اصل سیاست مشولیت در پیشگاه ملت است و مشولیت در مقابل مجلس است باید مطابق سیاستی که مجلس انتخاب میکند آن هیئت دولت بیاید مطابق سیاست آن هیئت دولت برود و اگر این کار را ما نکردیم چطور وزارت خانه ها تحت نظر ما است؟

وزارت معارف. امینیه. جنک. مابله داخله. اینها باید در تحت نظارت ملت باشد.

ملت معارف اداره آنها را میدهد و بنده و جناب عالی هم باید ناظر آنها باشیم و اگر معارف وزیر مسئول نداشته باشد چطور در مقابل مجلس مسئول واقع میشود؟ مدیر که مسئول نیست؟

من تعجب میکنم نظری که شما دارید که ما یک کاری باید بکنیم که وزیر معارف بیشتر دوام بکند.

بنده عقیده ام این است که در وقت ها همیشه باید بیشتر دوام بکنند. بعلمت اینکه هر چه دولت بیشتر دوام بکند بهتر از این است که ده روز بیاید و ده روز برود.

زیرا موثر ضمیمه دائمی برای مملکت بهتر است از مؤثر قولی قوری. ولی وقتیکه ما وزیر معارف نداشته باشیم با قانون مشروطیت با پارلمان و با مشولیت وزراء مخالفت دارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حائری زاده - بنده توضیح میدهم. سوخته بر کرد در هر ایش بنده را. رئیس - بفرمائید اما مختصر.

حائری زاده - جملاتی آقای نماینده محترم برخلاف عرایض بنده فرمودند و بن نسبت دادند. کمی من کفتم قانون اساسی نمی خواهیم و وزارت جنگ نمی خواهیم؟ وزارت داخله نمی خواهیم؟

این موضوعات مربوط به موضوعی که حالا صحبت بود انبوه. من کفتم وزارت معارف را از حال بلا تکلیفی بیرون بیاوریم و درستش کنیم.

عرض کردم بنده چطور مسئول مجلس است؟ شما می توانید معارف یک وزارت خانه باشد که در مقابل مجلس مسئول باشد حالا بنده همه نظر مردم به معارف است چه شکل مسئول است؟ در تحت نظر وزارت داخله است.

راجع به امور مابله وزیر مابله مسئول است ولی برای هر یک از اداراتش این یک نفر مستخدم گذاشته است مرتب میکند معارف هم همین طور بشود که هر روز به سیاست اعضاء تغییر و تبدیل پیدا نکند.

رئیس - رای گرفته می شود به مفاد خبر کمیسیون مبتکران آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - مفاد لایحه تصویب شد و اصل طرح قابل توجه شد.

عراقی - طرح مرد شد.

رئیس - بله. طرح دیگر راجع به معارف آزاد.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای پاداره مباشرت مجلس اجازه میدهد از محل

انتخابات بسودجه ۱۳۰۴ خود یک هزار سه کتاب لغت موسوم فرهنگ آزاد را در مطبعه مجلس بطبع رساند.

ماده دوم - پس از طبع فرهنگ مزبور اداره مباشرت مجلس مکلف است معادل شرحی که برای طبع کتاب مزبور نموده از مجلدات فرهنگ موجوده برداشت و آنچه از کتب مزبوره بعد از وضع طلب اداره مباشرت باقی می ماند بتواند جایزه و حق التألیف به حاج میرزا ابوالقاسم خان آزاد تسلیم نماید.

ماده سوم - یک کمیسیون ده نفری از متخصصین فن از نمایندگان مجلس بتوسط هیئت رئیسه دعوت می شوند که در مطالعه و تصحیح فرهنگ مزبور در تحت نظاره قرار یسند و کفوف تعیین اجرت کتاب را بدهند.

ماده چهارم - مجلس شورای ملی بعد از طبع کتاب مزبور به اداره مباشرت مجلس اجازه میدهد که هر سال بر طبق تشخیص کمیسیون ده نفری دونه از بهترین مؤلفات تاریخی یا ادبی یا فنی فارسی معاصر را بامراعات ماده دوم این قانون از محل اعتبارات خود بطبع برساند.

(خبر کمیسیون مبتکران نیز شرح ذیل قرائت شد)

طرح قانونی آقای بهار و جمعی از نمایندگان معترم راجع به طبع کتاب لغت فرهنگ آقای آزاد در کمیسیون معارض مذاکره و به اتفاق آراء قابل توجه گردید.

رئیس - آقای کلارونی (اجازه)

کلارونی - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - بنده متأسفانه مسائلی را که در آن پیشنهاد آقای روحی عرض کردم برای این بود که درست متوجه شده بودم که آن راجع به لغت مرحوم ناظم الاطباء بوده به این جهت مخالفت کردم.

و حال آنکه لغت مرحوم ناظم الاطباء یک لغت هائی است که تمام لغات مستعمله است یعنی آنها نیست که حالا در بین مردم معمول است و فوق العاده آن لغت قابل توجه است و نظر مخالفتم بر این بود که به آن لغت از نظر بودجه بود.

برای اینکه بنده با اندازه ای که یک وکیل ضعیفی میتواند از حقوق ملت دفاع کند نسبت به بودجه عرض کردم ولی از نظر لغتش بنده مخالفتم ندارم.

لکن مخالفت من نسبت باین فرهنگ آزاد است و باین کتاب لغت مخالفم. آقایان بردارند مقدمه اش را بخوانند ببینند از دوره ای که لسان عرب غلبه پیدا کرد بر عجم حقیقه کسی که لسان عجم را تجدید کرد فردوسی بود و همانست که آن شعر

را گفته که حالا موقع گفتن آن شعر نیست.

پس فردوسی است که بگفته هائی مملکت ما کرد و نژاد ایرانی را از نوزنده کرد و حقیقه او را دارای سروسامانی کرد باعتبار اینکه ایرانی را لسان وطنی خودش توجه داد و حاضر کرد که با آن لسانی که داشتند علوم خودشان را ترقی بدهند و آن لسان ادبی فارسی است.

بنابر این ما نمی توانیم مطابق ابوالقاسم فردوسی کسی دیگر را پیدا کنیم من که حقیقه سراغ ندارم.

اگر یک نفر از نمایندگان آن ابوالقاسم دیگری بیارند مطابق ابوالقاسم فردوسی بنده آنوقت رای میدهم و آقای آقا میرزا علی که فوق العاده چیزه مستخدم مستخدم خواهند شد.

تا باین لغات مال ملت است همانطور که بفرمائید آقای ملک الشعراء که یک روز راجع بودجه فرمودند که شما اینقدر در بودجه ایراد نکنید.

بواسطه اینکه مملکت مشروطه مثل یک بچه که بزرگ میشود و قیای پارالش برای امشالش فائده ندارد و باید قیای بلندتر برای او دوخته شود بودجه مملکت هم همانطور است و هر قدر مشروطیت ترقی پیدا کند اداراتش وسعت پیدا میکند و احتیاجاتش زیادتر میشود.

پس شما نظر به عین بودجه داشته باشید.

بنده فرمایش ایشان را کاملا تصدیق دارم و این یک حرف اساسی هم هست. حالا عرض میکنم لغات ملت هم همینطور است.

یعنی همانطور که ملت ترقی میکند لغات او هم ترقی میکند و همانطور که ملت ایران مرتب می شود لغات هم که از آثار سعادت ملت است ترقی می کند.

زیرا آثار رسمی و عمل هر ملت و اخلاق حمیده هر ملت چیزهائی که لازمه تمدن بشر است لغات آن ملت است.

حالا در این کتاب لغتهائی که بکلی معطوس و گهنگ شده و از بین رفته و هیچ محل استعمال نمیشود و هیچ احتیاجی در معیشت و زندگی و در تزیینات و در ادارات ندارد و در هیچ جهتی از جهات ما محتاج آن نیستیم نوشته شود.

اگر بفرمائید باعتبار اینکه آثار عتیقه از روی این لغت ها نوشته اند؟ آثار عتیقه در نوشتن لغت نیست و آنچه جز دیگری است که گاه کشف و ثابت کرده اند و همان آثار اعجم است که در جای خودش معین است و همان کتاب آثار اعجم است که مرحوم فرصت شیرازی چاپ کرده است که تمام جزئیات و کلیات را نوشته و هیچ چیز

در او فرو گذار نشده است. این هم برای آقایان عرض کنم که بنده در سن چهارده سالگی رفتم بکلمه از وشت که شما اسمش را می شنوید در طرف بیضا و آن جاهائی که شما هیچ کدامتان اطلاع ندارید همه را دیده ایم.

مقصود این است که نمیخواهم ملاحظه وطنی خودم را نمایش بدهم بنده این قدر ها بتر قیاب ایران علاقه دارم.

بنابر این عرض می کنم که من علاقه به الفاظ و یک چیزهائی که اساسی نیست ندارم و علاقه من بآن چیزی است که در اساس ترقی ملت و مملکت موثر است.

بنده می گویم گویم الان بیایم در بودجه مجلس فلان قدر پول تخصیص بدهیم برای چاپ کردن فلان فرهنگ.

اما یک اندازه ملاحظه بفرمائید آن اثری که برای سعادت و ترقی و تکمیل ما دارد باین الفاظی که در روز نامجات مینویسند کدامشان مدخلیت دارد؟ آخر یکی بیاید بگوید که این فلان فائده و مدخلیت برای ما دارد و ترقی بشریت مربوط باین می شود بنده می خواهم عرض کنم که این هیچ فائده ندارد این است که بنده مخالفم که این کتاب چاپ شود ولی فرهنگ ناظم الاطباء چون یک فرهنگ جدیدی است و یک لغاتی که در میان مردم مستعمل است مخالفت من در آن از راه بودجه اش بوده دیگر خسته شدم.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - چون اصل این طرح را بنده یک عده از آقایان نمایندگان تهیه کردیم و چندین قبل تقدیم داشتیم لهذا بنده برخودم لازم دانستم که بعضی توضیحات در این باب عرض کنم.

بنده از ابتداء خیال میکردم قضیه چون فوق العاده ساده و طبیعی است یعنی بالاخره مربوط به یک کتاب است که بقول ابوالفضل بیهقی می گوید آنچه بر کفایت بشریتند از خود کفایت بهتر است لازم بتوضیح نداشتیم و خیال می کردم که محتاج یک تبلیغات و پروپاگاندا هائی در مجلس نباشیم یا اینکه آقایانی که این طرح را امضا کرده اند محتاج یک تبلیغاتی باشند که این طرح بالاخره بخته و زمینه اش حاضر شود.

این طرح راجع به طبع یک کتابی بود که یک بد بختی یا نوزده سال زحمت کشیده است و از روی مطالعه سعی و مشق جلد کتاب از انات ایرانی و غیر ایرانی این را فراهم کرده است و این نتیجه زندگانی یک آدمیست که یک زحمانی در این راه کشیده است.

ما خیال کردیم که محتاج بیروپاگاندا نیست و بفرس اینکه شاید آقایان رای می

دهند ولی متأسفانه بواسطه اینکه در هر چیزی لازمست که یک انگشتها و دستهای پیش بیاید و در این قضیه هم بنده خیال می کنم یک دستها و انگشتهای از خارج دخالت کرده و از یک طرف ما که صاحب این طرح بودیم بهمان نظری که عرض کردم تبلیغات نکردیم.

از طرفی یک عده اشخاصی که خیال می کردند این طرح تنها منحصر است بطبع این کتاب و ماده چهارش را بخوانند بودند که نوشته میکنند در هر سال دو کتاب از بهترین کتاب معاصر هم در مطبعه چاپ شود.

باین لحاظ سعی کردند که بجای این کتاب (موسوم ب لغت فرهنگ آزاد) کتاب لغت دیگری را جلو بیندازند و در معرض طبع و خدمت مطبعه مجلس در بیارند باین جهت یک تبلیغات شدی بیش می آید خود بنده کتاب فرهنگ آزاد را بدقت مطالعه کرده ام و بعضی از آقایان نمایندگان هم مطالعه کرده اند آنوقت این طرح را تقدیم داشتیم.

برای اطلاع آقایان و برای رفع اشتباه از آقای آقا سید یعقوب عرض میکنم که کتاب فرهنگ آزاد یک کتاب نیست که لغات مرد و لغات که فارسی راجع آوری کرده باشد و بخواهد به معارض استفاده عمومی بگذارد.

زیرا خود بنده با آقای آقا سید یعقوب هم عقیده هستم و عقیده دارم که لغت مرده هیچوقت زنده نمیشود ولی این کتاب لغت مرده نیست و کتابیست که این آدم زحمت کشیده و اما عربی مستعمله هندی و افغانی که با زبان فارسی آمیخته شده است و بعضی از آن لغات بواسطه اخلاق و اشکال در دسترس فهم عمومی نیست این لغات عربی را ایشان با زحمت زیاد و مقابله چندین کتب آمده اند فارسی برایش پیدا کرده اند نه فارسی مرده بلکه فارسی که افعال و مشتقات آن امروز در زبان فارسی معمول است.

این یک کتاب کلاسیکی نیست که بچه ها در مدارس بخوانند و یک کتابی است که برای مترجمین و اشخاصی است که بخوانند و ببینند که بجای این لغات عربی خود ایران چه لغتی دارد.

این کتاب در حقیقت مقدمه یک گرامری است و وقتی انسان این کتاب را بخواند غالباً مصادر و مشتقات که می دانیم بین مشتقات فارسی ماضی و مضارع و آمریک اختلافات بسیاری است این اختلافات را این کتاب مرتفع میکند.

زیرا مصادر و تمام مشتقات آنرا پیدا و مرتب کرده است و علاوه بر این این کتاب یک کمک دیگری هم میکند بکنند و آن آشنا شدن ایرانی های دانشمند است به خط اوستا.

زیرا خط اوستا یکی از خطوط قدیمه ایرانی بوده است که اعراب جزء کلمه است درهجا و این خط فوق العاده خوانندگی آسانست منتهای یک معلم میخواند و یک کتابی است که اگر در دسترس عمومی باشد بالاخره از روی آن کتاب لغت میتوان خط اوستا را بتدریج بمرض استفاده عمومی گذارد زیرا بهای هر لغت عربی بخط اوستا عین آن لغت نوشته شده است.

این است که ما از این کتاب چند استفاده میکنیم یعنی هم از مشتقات و مصادر و بالاخره از صرف فارسی مطلع می شویم و هم لغات عربی که ترجمه آنها بزبان فارسی برای ادبای داخله و خارجه مشکل است کتاب لغتی در دسترس خواهیم داشت و هم آشنایی کلی می شود که آن خط خط ملی ما بوده است.

از همه گذشته عرض کردم در این مملکت یک کتاب هر چه روی کاغذ چاپ شود در معرض استهزا است که چاپ شود و منتشر شود بهتر از اینست که چاپ نشود و کتاب هادر خاها بماند.

این کتاب چه فائده برای ما دارد و چه درد ما میخورد ما باید بودجه مملکت را اصلاح کنیم.

البته ما وظیفه مان اصلاح بودجه و طرح قوانین راجع باخذ مالیات است ولی اینکه ما در اینجا عمل میکنیم یک سبه معترضی از حیات ملی و اجتماعی ما است که قسمت اعظم آن مربوط به وشتن کتاب و انتشار لغات و نوشتن روزنامه ها و آن مقالاتی است که شما مکرر اینجا با آن مقالات مخالفت کردید و حتی نظر هست بگروری هم مخالفت کردید که نطق و کلا در روزنامه رسمی چاپ شود و نتیجه این شد که در مجلس پنجم هر کس هر چه گفت چاپ نشود و همه از بین رفت.

باری متفکر ما بایستی بیرون نیسیم و کس دیگری برد آقا بایستی مردم را تشویق کرد.

یک کسبیکه هجده سال زحمت کشیده و یک کتابی تألیف کرده است حالا اگر در یک گوشه این مطبعه یک چرخ بگردد و یک کتاب لغت هم که مربوط به یک شخص فاضلیست چاپ شود و بالاخره اداره مباشرت آنچه خرج کرده است از عین کتاب بردارد و اگر هم چیزی زیاد آمد از باب پیری به صاحبش بدهد این عیبی دارد.

خود آقای ارباب کبخی هم این طرح را مطالعه کرده و امضا نموده اند زیرا ایشان هم مقید بودند این کتاب را تصدیق فرموده اند علاوه بر آن هم ندارد.

از همه اینها گذشته اگر بخواهم چهارم مراجعه بفرمائید خواهید دید که در ماده چهارم پیشنهاد مهمتری کرده ایم و آن اینست که مطبعه مجلس که امروز یکی از بزرگترین



را که فلهاست جایش را عوض کرده ایم و شش معکبه بدایت را که در تهران هست تبدیل به صلح کرده ایم و بردیم بشش ولایتی که معکبه صلح بوده معکبه بدایت قرار داده ایم یعنی در ولایاتی که در وزارت است باقیات است گفته ایم معکبه بدایت باشد که قضاوت شوروی بشود.

حالا مراجعه می شود بکمیسیون بودجه و در آن جا دقت کامل می کنند اگر قانونی در بودجه حاصل شد بعد فکرش را می کنند و بکمیسیون هدایه هم مراجعه می شود که به بیفتد از حیث رتبه های در قانون پیش بینی شده اشکالی دارد یا خیر؟

من که در قوانین ندیده ام که نوشته باشند طهران درجه اول پوشه درجه چهارم ...

یاسانی هست - حائری زاده - اگر هم چه چیزی هست من ندیده ام

بالاخره اگر چه چیزی هم باشد در کمیسیون عدله آن مواد اصلاح می کنند که مانع قانونی هم پیدا نکنند و این مسئله عملی شود حقوق مردم هم پامال نشود.

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

میرزا محمد خان و کیل بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

میرزا محمد خان و کیل - علت مخالفت بنده با کفایت مذاکرات این است (آقای یاسانی هم در اینجا مذاکره فرمودند) و بنده معتقدم که آقایان مقدمه این لایحه را نخوانده اند.

یک ماده واحد در این جا خوانده شد در صورتیکه خود بنده هم که پیشنهاد کننده بودم اگر این مقدمه را نخوانده بودم کاملا مخالف بودم. اینجهت بنده عقیده ام این است که مذاکرات ادامه داده شود که آنرا آقایان وقت داشته باشند مقدمه لایحه را بخوانند.

رئیس - مذاکرات در موقعی که خود ماده مطرح شود خواهد شد. رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اقلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است برای گرفته می شود به مفاد خبر کمیسیون مبتکرات نسبت به این طرح آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس مقابل توجه شد خبر کمیسیون مبتکرات راجع به طرح قانونی آقای حائری زاده نسبت به حقوق یک نفر مملعه برای مدرسه دخترانه ایتم ملایر برساند.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحد - دولت مجاز است از محل اضافه مالیات که برقرری آوزهان و سایر املاک فخر العاجیه خانم ملایری افزوده می شود از ابتدای مهرماه ۱۳۰۴ سالی چهارصد و هشتاد تومان متوسط

وزارت معارف بمصرف حقوق یک نفر مملعه برای مدرسه دخترانه ایتم ملایر برساند.

خبر از کمیسیون مبتکرات بمجلس شورای ملی.

کمیسیون مبتکرات طرح قانونی آقای حائری زاده و جمعی از نمایندگان را راجع به حقوق یک نفر مملعه برای مدرسه دخترانه ایتم ملایر برمود شور قرار داده و بحضور نماینده وزارت مالیه مذاکرات بعمل آمده و در نتیجه کمیسیون با طرح مزبور اساساً و بطور کلی موافقت نموده و آنرا قابل توجه دانسته و پیشنهاد مینماید که بکمیسیون بودجه ارجاع شود.

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - با موافقتی که بنده در اصل قضیه دارم نظر بترتیب نظامنامه که روی اصل موافق و مخالف بایستی مطالب را برض مجلس رساند بنده در اینخصوص بعنوان مخالف یک توضیحی برض آقایان میرسانم.

در سینه ماضیه از طرف وزارت مالیه یک نفر میز (میرزا نصر الله خان) رفت برای میز میز ملایر.

در نتیجه میز نسبت به بعضی مالکین آنهم در قسمت جنس یک تخفیفی قائل شد.

البته آن تخفیف هم باز بعد عدالت نرسیده و زیاد روی شده است ولی نسبت برعبارا تقریباً میشود گفت یک دره - مالیات اضافه نموده است.

مثلا در یک منکی که قسمت نقدیش ۵۰ تومان بوده و از هر یک نفر رعیت جریبی ۵ قران میگرفتند ۵ قران الی ۳ تومان و ۴ تومان گرفته اند که تقریباً یک دره ۵ یک دره ۶ بلکه یک دره فرق کرده است و حالا اگر این طرح راجع بود به تخفیف مالیاتی که از فخر العاجیه گرفته میشود.

بنده خیال میکنم که هیچکس در اطراف آن مخالفتی نکند.

اگر اینقسمت سبب نشود که بواسطه این قابل توجه شدن در مجلس وزارت مالیه آن میز را کرده است یک صورت حق بجانب و مشروعی بآن میدهد باز بنده مخالف نیستم ولی اگر در این طرح و تصویب مجلس یک تحصیل فوق العاده نسبت برعبارا میشود.

بنده و هیچ یک از آقایان اجازه نمی دهیم که در نتیجه دادن چهارصد تومان بیک نفر مملعه تقریباً ۱۲ هزار نفر از پادشاه آید.

اگر این طرح راجع به آن اضافه مالیات باشد بنده مخالفم و اگر راجع به اصل مالیات باشد موافقم و خیلی هم تشکر میکنم از آقایان نمایندگان که این طرح را پیشنهاد کرده اند.

حائری زاده - همین شکلی که نماینده محترم فرمودند نظر بنده اوسایر آقایان که این طرح را امضا کردند تئیت آن مالیاتی که رفته اند و اجراء کرده اند نبود.

بنده آنچه شنیده ام را اطلاع پیدا کرده ام بر حسب رضایت مالکین آن حدود رفته اند و میز میز کرده اند.

بدین است نسبت بان اشعاصی که رضایت داشته اند باید میز میز جاری بشود و نسبت به آنهایی که رضایت نداشته اند تا قانون از تصویب مجلس نگذشته باید میز میز را معطل بگذارند.

نسبت به فخر العاجیه آنچه که بنده شنیده ام و اطلاع پیدا کرده ام دوهزار تومان نسبت به املاک او اضافه مالیات پیدا شده و باید میز میز کنند و پس از میز میز به خودشان تقاضا کرده است که هشتاد تومان در سال از این اضافه مالیات را بدهند به یک نفر مملعه برای مدرسه دخترانه ملایر که در آنجا اطفال یتیم را نگاهداری کنند و حرف و صوابی که لازمه آنها است به آنها بیاموزند و تصور نمی کنم این یک کار فطری را تئیت کند.

به علاوه این یک طرحی است و به کمیسیون برود و پس از اینکه به کمیسیون رفت به یک شکلی تنظیم خواهد شد که از عایدات کل مملکتی در سال چهارصد و هشتاد تومان داده شود که نظر آقایان محترم هم تأمین شده باشد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده در اصل موضوع یعنی بطور کلی با تعلیم و تربیت موافقم لیکن ما بیاییم یک طرحها و پیشنهادهای راجع به تأسیس مدرسه برای یکی از ولایات بطور استثناء قائل شویم آن وقت نتیجه اینطور خواهد شد که هر ایالات و ولایات که یک زحمانی دارد و میتواند اعمال نفوذی بکند آن محل باید دارای مدرسه بشود.

والا بایستی فائد باشد حقیقه - این مسئله را بنده در تحت هیچ اصلی از اصول نمی توانم واردش کنم و علت اینکه باید در ملایر مدرسه باشد امداد سایر نقاط نباشد بنده نمی فهمم چه دلیل ۱۱ فقط مدرکی دو نشان گفته در اثر میز میز یک مالیاتی باز که کمیون باین قسمت قانع نشده است

در یک جای دیگر هم يك مالیات دیگری در اثر میز میز گسر شده ۱۱ پس از روی این اصل در آن جا می که مالیات کسر میشود باید مدرسه اش را ببنند دور آنجا می که زیاد میشود مدرسه باز کنند! آخر این که رسم مملکت داری نیست!

ما باید تمام افراد مملکت را به یک چشم نگاه کنیم و تعلیم را بطور تساوی در همه جا تمام بدهیم.

بطور استثناء که نمی شود! آنوقت در مقدمه اش چیزهایی می آوریم که گویا دنیا را بفرمایند مادرست می شود بواسطه این کاری که کرده ایم! این ترتیب را باید موقوف کرد و اصل کلی در نظر گرفت و تمام را باینکه نظر نگاه کرد.

بنده از این نقطه نظر است که کاملاً مخالفم و یک عیب دیگری هم دارد که بودجه مملکت تنگه تنگه میشود.

یک تنگه اش باید بود ملایر یک تنگه اش آذربایجان و یک تنگه کوچکش هم باید بسرود به بنادر ما و از این جهت بکلی مخالفم حالا بسته است بنظر آقایان.

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

آقای ضیاء - ابراهیم ضیاء - بعضی قسمت هایی در مجلس گفته میشود که وقتی آن مذاکرات اظهار می شود اگر جواب هم داده شود بهتر است

برای مملکت هیچ فرقی نمیکنند ملایر پوشه ۱۰۰ قران - زرقان - شیراز - آذربایجان و بالاخره جاهایی که شامل مملکت ایران است هر نقطه و هر وجهی که دارد و این نقشه است در برابر مجلس شورای ملی یکی است

اگر در ملایر یک مدرسه دخترانه که سهل است یک مکتب بسیار خوبی هم دائر شود. بهمان اندازه که اهالی ملایر رسد است می برند همانطور هم اهل پوشه سعادت میبرند.

برای اینکه همه عضو یک مملکت هستند - علاوه می فرمایند در مدرسه دائر نشده.

اصل طرح را گویا ملاحظه فرموده باشند مدرسه دائر شده و مدتی است این خانم محترمه - از عایدات املاک خودش بهر وسیله که بوده است این مدرسه را دائر کرده است

حالا برای توسعه این مدرسه برای اینکه بشود بیک نفر مملعه از تهران بچن مدرسه بفرستند خواسته شده است که وسایل تأمین زندگانی و اداره بیک نفر مملعه فراهم شود از این محل هم خود خانم فخر العاجیه با نهایت میل قبول کرده است حالا که میز میز شده در اثر این میز میز ناقص مالیات زیاد شده است

این مدرسه از این محل دائر باشد ولی باز که کمیون باین قسمت قانع نشده است

و نماینده وزارت مالیه رادز کمیسیون حاضر کرده است و مذاکره با حضور ایشان شده است. بالاخره در آخر طرح ملاحظه میفرمائید نوشته شده بکمیسیون بودجه ارجاع شود و این طرح را کمیسیون اساساً قابل توجه دانسته و برای اینکه قسمت مالیاتش هم اینطور شود که فرمودند که از یک جا کسر و یکجا زیاد شود از نظر کمیسیون بودجه بگذرد تقاضا شده است به آن کمیسیون برود والا یک مدرسه دائر بوده است و بین ملایر و پوشه هم هیچ فرقی نمی کند و اثبات شبی هم نمی ما عدا نمی کند.

شما هم یک پیشنهادی بکنید برای راجان - همه ما هم امضاء میکنیم میاید به کمیسیون مبتکرات و کمیسیون مبتکرات هم مسلماً قابل توجه میدانند

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

آقا شیخ جلال - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم توضیحاتی که آقای حائری زاده دادند بدتر شد من مقصود این بود کسانی که این طرح را امضاء کرده اند اطلاع نداشته اند.

هرض کردم این عیب را دارد و بیان نماینده محترم آقای حائری زاده بدتر کرد در صورتی که خدا میداند بنده کاملاً موافقم و حتی حاضر از حقوق خودم هم پنججاه تومان بدهم

رئیس - این مطلب بعد معلوم شود - صحبت در کفایت مذاکرات است

آقا شیخ جلال - در کفایت مذاکرات عرض میکنم - مقصود این است که اگر این اضافه مالیات تصویب شود فخر العاجیه دوهزار تومان استعاده کرده است آن وقت چهارصد تومانش را میدهد بیک نفر مملعه ولی در مقابل دوهزار تومان برعیت ضرر میخورد.

همین ملایر صدی بیست و پنج زمین است و صدی هفتاد و پنج باغ است

رعیت هر جریبی پنجقران مالیات میداده است میز رفته است و سه تومان قیمت کرده است در این صورت باز فخر العاجیه یک کاسبی مهمی کرده است چهار صد تومان داده است معلم و دوهزار تومان فایده برده آقایان درست اصل مطلب را آنچه فرمایند بنده عرض کردم نسبت به سهم خود حاضریم پنججاه تومان از حقوق خود را تقدیم کنم ولی اصل مطلب را خوب آقایان توجه فرمایند تا مطلب معلوم شود که از تصویب این مالیات چقدر برعیت ضرر می خورد.

رئیس - رای می گیریم بکفایت

مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (جمعی کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - رای گرفته می شود بمفاد و خبر کمیسیون مبتکرات آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معمودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشده - طرح رد شده - پیشنهاد ختم جلسه شده است

کفیل وزارت معارف - راجع بچند فقره کتیرات معلمین خارجی چون بنده اطمینان دارم که آقایان نمایندگان محترم خیلی علاقه مند هستند بانظام امور مدارس دوقره از اینها که راجع بمسئو فرانشو یکی هم راجع بمسئو هس از کمیسیون گذشته و تقصی ندارد و ممکن است برای روز پنجشنبه مطرح شد و تکلیفش معین شود.

سه فقره دیگر راجع است به معلمین مدرسه صنعتی که بنده یقین دارم آقایان در این مسئله بخصوص بیشتر علاقه دارند - بنده استدعا دارم که این سه فقره را هم اگر طبع شود حاضر شد جزو دستور پنجشنبه فرمایند که یک روز اختصاصی به امور معارفی داشته باشد.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده مخالف با این پیشنهاد نیستم اما تکلیف این متخصصین را که مدتی است در مجلس هستند باید زدتر معین شود که از حال بلاتکلیفی خارج شوند و خوب است این را مقدم بدارند در درجه دوم پیشنهادات آقای کفیل باشد.

رئیس - جلسه آتی روز پنجشنبه آینه سه ساعت نیم قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز که مانده است و پیشنهادات آقای مشار.

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین م شهاب علی خلیبی

جلسه ۲۴۸

صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه بیست و چهارم دینماه ۱۳۰۴ مطابق بیست و نهم جمادی الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه بیست و دوم دیماه را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند.

رئیس - حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - در دستور عرض دارم -

رئیس - آقای سهراب زاده سهراب زاده - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای حائری زاده حائری زاده - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - بعد از تصویب صورت مجلس.

رئیس - آقای شوشتری شوشتری - قبل از دستور

رئیس - آقای امامی امامی - بطوریکه بنده شنیدم گویا آقای بقوانی را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه خاطر محترم آقایان از اوضاعی که برای ایشان رخ داده است متحضر میباشد علاوه کتباً هم استعجازه نموده اند خوب است اصلاح شود

رئیس - بعد از مراجعه اصلاح میشود

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - راجع به طبع فرهنگ آزاد و ناظم الاطباء در صورت مجلس نوشته شده است که پس از مذاکرات تصویب شده

بنده عقیده ام این است که نوشته شود پس از مذاکرات موافق و مخالف زیرا مذاکرات تنها معلوم نیست که مذاکرات موافق تنها است یا مذاکرات موافق و مخالف خوب است نوشته شود پس از مذاکرات موافق و مخالف

رئیس - معلوم است تمام مذاکرات که از طرف موافقین نمی شود - آقای روحی - قبل از دستور

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده هم اینطور شنیدم که اسمعیل خان و کیلی را غائب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه ایشان مریضند خوب است اصلاح شود.

رئیس - اگر مریض هم باشند باید رسماً اطلاع بدهند نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست؟

آقای حاج میرزا علی رضا (اجازه)

حاج میرزا علی رضا - بنده میخواستم عرض کنم آقای میرزا اسمعیل خان و کیلی دومرتبه استعجازه نمودند و کمیسیون هم اجازه داد ولی آنوقت که سر آمده دیگر اجازه نخواستند

رئیس - نسبت بصورت مجلس دیگر فرمایشی ندارید؟ (اطهاری نشد)

رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - عرض بنده خیلی مختصر است و روی اصل متن لم بشکر المخاوف

لم بشکر المخاوف میخوام چند کلمه بعرض آقایان برسانم

میسون امریکائی که در ایران مشغول خدمت هستند بنده خدمات مالیه ایشانرا واگذار میکنم به متخصصین مالی ولی در موضوع ارزاق چون چند روز قبل هم بعضی مذاکرات اینجا شد آنچه بنده می بینم و برای العین مشاهده میکنم در موضوع ارزاق حقیقتاً خدمت خیلی زیادی کرده اند و اگر واقماً جدیت آنها نبود ... بعضی از نمایندگان - جدیت آنها به ضرر بود

سهراب زاده - صحیح است که این قضایا بواسطه توجهات شخص اعلی حضرت بهلوی است

ولی زبردستان را دیدم که اوامری گرفتند و نتوانستند اجرا کنند و این اصل را ما نباید فراموش کنیم که نوکر آقا را بزرگ میکنم تا حرف میزنند نبایستی اگر یک چیز هائی را در نظر داریم فراموش کنیم

میسون امریکائی راجع بخدمات ارزاق منکر ندارند و آنچه امر از طرف اعلی حضرت شد بدون مقاصد شخصی اجرا کردند

دیگر راجع بخدمات آقای ارباب کیخسرو است

گذشته از اینکه ایشان عضو یاسکی هستند مدتی بنده می شنیدم (مطمئن مجلس) تا چند روز قبل در خدمت حضرت آقای رئیس و چند نفر از آقایان نمایندگان رفتم به مطبوعه برای تماشا حقیقتاً میتوانم عرض کنم که این مطبوعه یکی از کارخانه های خیلی مفید است - و بنده در قسمت خودم از آقای ارباب راجع باین خدمتشان و خدمات دیگرشان تقدیر و تقدیس میکنم و کاملاً ممنون و متشکرم (گفته شد صحیح است)

بعضی از نمایندگان - دستور رئیس - وارد دستور شویم؟ بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - خبر کمیسیون عرض و مرخصی راجع به مرخصی آقای بهار قرائت می شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

آقای بهار نماینده محترم داری یک ماه مرخصی که از طرف مجلس شورای ملی تصویب شده است هستند که ابتدای آن از روز حرکت است اخیراً مراجعه نموده تقاضا کرده اند که چون قادر به حرکت به خارجه نیستند در طهران مشغول معالجه خواهند و بتایران مرخصی ایشان از روز تصویب معسوب شود کمیسیون هدایشان دانظر بکسانی که دارند و چه دانسته تصویب مینماید

رئیس - سابقاً مجلس مقدس رای داده بود از روز حرکت مرخصی ایشان معسوب شود ولی چون نمی توانند حرکت کنند



بداست يك موضوعی را آقای طهراني اظهار کردند که باید مختصراً جوابش را عرض کنیم.

فرمودند: نضات باید متخصص در علوم و حقوق اسلامی باشند.

بنده خیال نمیکنم در تمام ایران کسی باشد که منکر این مسئله باشد. ولی بنده نفهمیدم ارتباط این اظهار با استخدام بارون فراش چیست؟

این مسئله را باید خدمت ایشان تذکر بدهم که نفر متخصص پدر حقوق آنهم معلم و ویرودسوریکه حق تدریس دارد قهرآ حقوق سایر ملل را می داند و مخصوصاً حقوق اسلامی را مجبور است بداند.

اگر ایشان بر گرام مدارس عالی حقوق اروپا را دیده باشند تصدیق میفرمایند که در همان مدارس متخصصین حقوق فقه و اصول هم باید بدانند چنانچه مادر همین مجلس خودمان يك نفری داریم که آقای دکتر مصدق هستند و ایشان پس از تکمیل دروس در موفقی که خواستند نزد کتری بنویسند تر خودشان را راجع به حقوق اسلامی نوشته اند و بموجب همان کتاب دیپلم دکتری گرفته اند.

بعلاوه معلمین مدرسه حقوق مأمونصر ما این چهار نفر از وراثتی نیست بلکه برای فقه و اصول هم يك معلمینی داریم که از مدرسه آقای طهراني بیرون آمده اند و فقه و اصول می دانند ولی باید دانست معلمی که تاریخ سیاسی درس می دهد مشغول فقه و اصول نیست برای فقه و اصول معلم دیگری است پس وقتی کسی در اروپا حقوق تحصیل می کند باید فقه و اصول را بداند قهر آن کسی که در ایران تحصیل میکند بطریق اولی خواهد دانست و این واضح است.

پس از این نقطه نظر ایرادی بر بارون فرس وارد نیست.

اما اینکه آقای کازرونی فرمودند ما متصل يك اشخاصی را استخدام میکنیم و می آوریم با این حال چرا معلم نداریم؟ ایشان در اینجا اشتباه کردند و آن این است که این مدرسه مدرسه حقوق است نه دارالمعلمین.

دارالمعلمین يك مدرسه دیگری است که معلم در آنجا تربیت می شود. شما از حالا تا قیامت هر چه شاگرد از این مدرسه حقوق بیرون بفرستید نباید انتظار داشته باشید که معلم بشود. معلم شدن و تدریس يك موضوع دیگری است.

این ایراد آقای رضوی هم در کسب و کسب گرفته و در آنجا جواب داده شد که متخصص در حقوق متخصص در معلمی ویدا گوژی نیست. برای معلم داشتن دارالمعلمین باید داشته باشیم والا هیچ ممکن نیست کاز مدرسه حقوق معلم و متخصص در معلمی بیرون بیاید از مدرسه. حقوق متخصص حقوق بیرون می آید پس نباید انتظار

داشت اشخاصی که از مدرسه حقوق بیرون می آیند معلم باشند.

يك موضوع دیگری فرمودند که می شاگرد بارون اعزامی کنیم. این فرمایش ایشان نقض فرض است زیرا ما می خواهیم يك مدرسه حقوق با معلمین خوب داشته باشیم تا دیگر در آتیه هر روز مجبور نباشیم عده را بارون بفرستیم و متحمل يك مضارح زیادی بشویم. الاخره مملکت ما تمام مدارس را لازم دارد و مخالفت کردن با این را نمیتوانم اسمش را چه باید گذاشت مملکت ما که چندین باب مدارس عالی لازم دارد حالا که سه تا بیشتر نیست و آن عبارتست از مدرسه حقوق وطب و نظام آيا باید مخالفت کرد.

اما شرحی راجع به موضوع امور اقتصادی فرمودند.

اگر ایشان و رفیق محترمشان قدری خارج از موضوع نمی شدند ملاحظه میفرمودند که نوسه تا لایحه دیگری هم در دستور راجع به استخدام متخصصین مدرسه صنعتی هست که در نتیجه تصویب آنها امور اقتصادی هم رو با اصلاح خواهد گذارد در مملکت ما همه چیز لازمست.

ما هم قاضی لازم داریم که اگر بین ما دعوا شد اصلاحمان بدهد و هم صنعت لازم داریم.

نمی شود یکی را داشته باشیم و دیگری را نداشته باشیم امروزه رشته زندگانی تمام مربوط بهم است و يك مملکت هم تخصص حقوق لازم دارد و هم متخصص معدن و سایر مؤسسات اقتصادی.

این ها همه يك اصولی است که نباید انکار کرد.

اما اگر فرمائید بارون فراش ایشان می آید این يك موضوع علیحدت است والا مدرسه حقوق معلم لازم دارد.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی و بعضی اظهار کردند کافی نیست)

رئیس آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - علت مخالفت بنده با کفایت مذاکرات این است که می بینم در مجلس شورای ملی يك جریانانی پیش آمده که تمام نتیجه اشتباه است. خوبست آقایان نمایندگان محترم موافقت بفرمایند که مسائل کاملاً مباهت شود تا رفع اشتباه بعمل آید و معلوم شود که تصویب این مسئله لازمست. بنابراین استدعا می کنم آقایان موافقت فرمایند که مذاکرات ادامه شود.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (ممدودی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. آقای طهراني (اجازه)

آقا شیخ محمد علی نهرانی - باب اینکه

در ماده اول میشود در کلیات مخالفت کرد معیناً از این نقطه نظر بنده حرف نمی زنم. بنده هم معتقدم که تمام علوم اروپائی بلا استثناء باید در مملکت ما معلم داشته باشد و ایرانی ها متحمل باشند و آن دروس را یاد بگیرند و گمان نمیکنم کسی باشد که عقیده داشته باشد ایرانیها برای تعلیم علوم باید بیضارچه بروند و پول خودش را در اروپا خرج کنند.

خبر دلیل ندارد و بنده تصور نمیکنم هیچ وطن پرستی و هیچ ایران دوستی و مسلمانان چنین عقیده را داشته باشد. ولی عقیده بنده علم را باید از سیاست تفکیک کرد.

ایران در تمام مراحل از پیشروی ملت فرانسه و از مملوالات و وطن پرستی و مساعدت آنها امتنان دارد. مساعدت فرانسه هاز قدیم الایام محل توجه ایرانی ها بوده و همیشه تقدیر شده است.

لیکن در جلب متخصص و استخدام معلم اروپا هر قدر که بتوانیم باید سعی و دقت کنیم که معلمین که می آیند فارسی بدانند اگر بکنند مشغول فرانسوی را بخوانند استخدام کنند بنده استقبال میکنم و ما هر چه این نکته را در نظر داشته باشیم بهتر است.

یک نفر فرانسوی یا انگلیسی یا آلمانی که برای تدریس باین مملکت می آید هر گاه فارسی بداند البته خیلی بهتر است. در تمام دنیا مدارس عالی حقوقشان آزاد است.

وقتی که معلم مشغول درس است تمام افراد مردم بتوانند و حق دارند در مدرسه حاضر شوند و استفاده کنند حتی آن سبزی فروش هم میتواند در مدرسه حاضر شود و از حقوق استفاده کند تا در نتیجه بداند که اگر ناسی و بیخودمان دعوا پیدا کرده باید کجا برود و در کدام صلیحیه معاکمه کند.

و از آن مبلغ بالاتر را بکجا باید تنظیم کند و ترتیب معاکمه معاکم ابتدائی و استیثاف و تمیز را بداند چیس؟ و علت اینکه ما بین تمام دروس مدرسه حقوق و آزاد گذارد. و مستمع آزاد قبول میکنند برای همین جهت است.

ولی متأسفانه مدرسه حقوق حالا احتکار شده است و ترتیب تدریس و تدریس انحصار پیدا کرد بیکسانی که بیچ شش سال رفته اند فرانسه تحصیل کرده اند آنها فقط از این حق استفاده می کنند و اگر نباشد معلمین با فکر دقیقی که از مدارس قدیمه بیرون آمده اند امروزه بخوانند علم حقوق تحصیل کنند نمیتوانند برای اینکه فرانسه نمی دانند و فوه سامعشان بلسان فرانسه آشنا نیست. پس عقیده بنده معلمین که بالخصوص برای مدرسه حقوق می آیند باید فارسی بدانند یا لااقل عربی بدانند.

برای این که پس از فارسی زبان عربی مفهوم همه هست زیرا ریشه زبان ما عربی است با اینکه امروزه يك دولتی مثل مصر هست که هم مسلم و با ما همسین است و هم بروحیات و علوم حقوق امروزه اروپا آشنا است. چرا از آنجا معلم حقوق نیماوریم؟

در آنجا معلمین خیلی خوب هست آقای منصور السلطنه که امروزه معاون وزارت عدلیه است و مدتی خدمت کرده از مملکت در نظر دارد و بان وظیفه دار است رفتار و عمل خواهد مکتور و هیچ وجه در قضایا ملاحظه مسائل سیاسی را نخواهد نکرد.

ولی مطلبی که لازم است پمرض آقایان برسانم این است که فرد فرد ما وقتی که می نشینیم متوجه يك مشکلاتی هستیم مشکلات اقتصادی و اصلاحی و بالاخره مشکلات دیگری که حالا لازم نیست عرض کنم عقیده بنده موافق استدلال و در نتیجه موازنه با جاهای دیگر دنیا وقتی که بخواهیم عادلانه تضاروت کنیم باید تصدیق کنیم که ما وقتی بظرف تمالی خواهیم رفت که امنیت قضائی در مملکت ما تثبیت شود.

این حقیقت را هم نباید نکته بگذارم که امنیت قضائی اصلی است که در دنباله وجود آن مناسبات ما از هر حیث بانام ملی که حق داریم با آنها مناسبات داشته باشیم تأمین میشود بهیچ جهت عقلای مملکت که حضرت آقای مدرس در رأی آنها وکیل هستیم و ما کجا که وزراء باید در ترتیب بعد آید و بچه کیفی باید معاکمه شود. ترتیب و مقررات معاکمه مدعی و مدعی علیه چه جور باید باشد به چهار کله دانستن فرانسه که درست در نیاید.

اما اگر معلم سانش فارسی یا عربی باشد شاگرد مدرسه وقتی که رفت پشت میز استاد تکلیفش را میداند اصول سیاست را نیاید با معلم مخلوط کرد.

شما که میخواهید از فرانسه معلم بیآورید افلا باید معلمی باشد که زبان فارسی بداند.

البته سیاست فرانسه يك سیاست عادلانه است که تمام ایرانیها از آن رضایت و امتنان دارند. لیکن مسئله علم را نباید با آن یکی کرد. این را می بوسیم و کنار میگذاریم. و میگوئیم ما کمال رضایت را از شما داریم ولی معلمی می خواهیم که زبان فارسی بداند.

از این جهت بنده مخالفم اما در آن مرضی که کردم برای اینکه رفع اشتباه بشود عرض میکنم که مقصود بنده در مقام امور حرفی بود که مرضی کرده قضات جا شین هیچ اسلام خواهند شد ولی واقفاً قضات قائم مقام آنها نخواهند بود و این برای توضیح عرض کردم.

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - اولاً بنده لازم میدانم اظهار تأسف کنم از آن قسمت فرمایش آقای طهراني که فرمودند در مجلس شورای ملی مسئله اختلاط سیاست با تعلیم علمی است.

بنده مخالف این اظهار هستم و عقیده ام این است که مجلس شورای ملی در هر موضوع همیشه موافق آن اصلی که برای حفظ مملکت در نظر دارد و بان وظیفه دار است رفتار و عمل خواهد مکتور و هیچ وجه در قضایا ملاحظه مسائل سیاسی را نخواهد نکرد.

ولی مطلبی که لازم است پمرض آقایان برسانم این است که فرد فرد ما وقتی که می نشینیم متوجه يك مشکلاتی هستیم مشکلات اقتصادی و اصلاحی و بالاخره مشکلات دیگری که حالا لازم نیست عرض کنم عقیده بنده موافق استدلال و در نتیجه موازنه با جاهای دیگر دنیا وقتی که بخواهیم عادلانه تضاروت کنیم باید تصدیق کنیم که ما وقتی بظرف تمالی خواهیم رفت که امنیت قضائی در مملکت ما تثبیت شود.

این حقیقت را هم نباید نکته بگذارم که امنیت قضائی اصلی است که در دنباله وجود آن مناسبات ما از هر حیث بانام ملی که حق داریم با آنها مناسبات داشته باشیم تأمین میشود بهیچ جهت عقلای مملکت که حضرت آقای مدرس در رأی آنها وکیل هستیم و ما کجا که وزراء باید در ترتیب بعد آید و بچه کیفی باید معاکمه شود. ترتیب و مقررات معاکمه مدعی و مدعی علیه چه جور باید باشد به چهار کله دانستن فرانسه که درست در نیاید.

اما اگر معلم سانش فارسی یا عربی باشد شاگرد مدرسه وقتی که رفت پشت میز استاد تکلیفش را میداند اصول سیاست را نیاید با معلم مخلوط کرد.

شما که میخواهید از فرانسه معلم بیآورید افلا باید معلمی باشد که زبان فارسی بداند.

البته سیاست فرانسه يك سیاست عادلانه است که تمام ایرانیها از آن رضایت و امتنان دارند. لیکن مسئله علم را نباید با آن یکی کرد. این را می بوسیم و کنار میگذاریم. و میگوئیم ما کمال رضایت را از شما داریم ولی معلمی می خواهیم که زبان فارسی بداند.

از این جهت بنده مخالفم اما در آن مرضی که کردم برای اینکه رفع اشتباه بشود عرض میکنم که مقصود بنده در مقام امور حرفی بود که مرضی کرده قضات جا شین هیچ اسلام خواهند شد ولی واقفاً قضات قائم مقام آنها نخواهند بود و این برای توضیح عرض کردم.

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

مساائل فقه و اصول را حکاماً بدانند نمی توانم تصدیق کنم که قاضی ایرانی از صفات دیگر از قبیل دانستن علم حقوق بی بهره باشد و معلمین که ما می آوریم برای این است که آن رتبه از علوم و فنونی را که لازم است برای تدریس در مدرسه حقوق ایران آنها متخصص در آن فن باشند و بتوانند تدریس کنند و در نتیجه معاملات بالاخره تشخیص شد که برای تحصیلات حقوقی و این سنج معلومات معلمین فرانسوی بهترند.

پایبخت آمده اشخاص را پیشنهاد کردند و بعضی از آنها هم خدماتی کرده و شاگردان خوب تربیت نموده اند مثل اینکه الان یک عده جوانهای این مملکت پسانیه در علم حقوق شده اند.

در قسمت فقه هم اشخاص خوب ایرانی مثل آقای حاج سید نصر الله و امثال ایشان هستند که در مدرسه حقوق تدریس میکنند و بالاخره اشخاص بیرون آمده اند که هر یک از آقایان اگر با آنها ملاقات کنند و با آنها داخل در مسائل علمی شوند تصدیق میکنند که این جوانهای ایرانی را باید تشویق و ترغیب کرد.

زیرا که بالاخره در سایه دانش و فضل است و در سایه آن داخترن افراد لایق است که يك مملکتی را میتوان بظرف سعادت برود و یک نفر شخص وقتی وکیل بکنند تصدیق میکنند که بالاخره يك کاری را که لازم است انجام بکنند تا وقتی که بدست اشخاصی که صلاحیت انجام آن دارند داشته باشند ندهد نتیجه نخواهد گرفت.

پس هیچ تردید نیست که ما مدرسه حقوق لازم داریم و باید سعی کنیم که در سر تا سر مملکت شعبه مختلفه آن تأسیس شود یعنی در تمام مملکت شعبات مدرسه حقوق تأسیس شود.

اما اینکه فرمودند به فارسی باید تدریس شود نه با زبان فرانسه بنده نمی دانم این چه اشکالی دارد؟

الآن در مدرسه حقوق تمام دروسشان به فارسی است اگر آقایان اطلاع ندارند ممکن است از شاگردان آن مدرسه تعقیب کنند و جزوهای آنها را ببینند که به فارسی است و از این حیث اشکالی ندارد. و اگر نظر در اینست که بالاخره يك آدمی که از نقطه از نقاط اروپا اینجا می آید فارسی بداند و الا نباید آنرا قبول کرد یا چیزهایی که در این مملکت سابقه نداشته است سابقه نیاید پیدا کند ما باید تصدیق کنیم که یا باید عده را بفرستیم بارونیا که این علوم را یاد بگیرند و یا باید يك عده از آنجا بیایند و بوسیله مترجمین دروسی را که آنها میدهند ترجمه کنیم و بالاخره باید اشخاص را بیآوریم که بوسیله آنها قاضی خوب داشته باشیم یا اشخاص اداری داشته باشیم.

که از مصر ممکن است بیآوریم. البته بنده مخالفی ندارم که اگر در مصر هم معلم خوبی باشد بیآوریم ولی این را نباید دلیل بگیریم برای رد کردن يك معلم فرانسوی که مدتی اینجا آمده است و کار کرده است و امتحان داده است.

تردیدی نیست که کسی هم که عربی میداند و بزبان عربی درس میگوید برای اشخاص غیر مأموس بزبان عربی البته همین اشکال وارد است.

بنابراین همان اشکالی را که ایشان برای معلم فرانسوی بیان کردند که زبان فارسی نمیتواند همان اشکال هم برای معلم مصری پیش میآید.

زیرا معلوم نیست اشخاصی که از مدرسه ابتدائی و متوسطه بیرون می آیند پدر چه عربی بدانند که وقتیکه معلم بیاید سر کلاس و با هر کسی تدریس کند آنها خوب مطالب او را بفهمند.

در هر صورت این قسمت هم این اندازه اهمیت ندارد.

بنده مطلب را از اینجا میگیرم که در مملکت مدرسه حقوق لازم است ما باید اشخاصی را تهیه کنیم که در نتیجه ارجاع خدمات قضائی با آنها بتوانیم غلبه کنیم بر يك رشته قضائاتی که در مملکت جریان دارد و بالاخره موفق شویم که کابیتولاسین را از بین ببریم و شرطش اینست که مدرسه حقوق داشته باشیم و اشخاصی را تهیه و آماده کنیم که بوسیله آنها کابیتولاسین از جمعی از نمایندگان (با همه) - حلاله کابیتولاسیون نداریم.

شریعت زاده - بسیار خوب اگر هست و اینکه گفته میشود که قاضی باید علم فقه کامل داشته باشد و در پروگرام مدرسه حقوق این قسمت باید باشد البته بدیهی است کسی متکرر نیست بلکه همه موافق با این قسمت هستند.

ولی این دلیل نمی شود باینکه ما معلم از فرانسه نمی خواهیم و البته معلوم است که يك نفر معلم فقه نمی تواند تاریخ سیاسی و تاریخ بین المللی و حقوق بین المللی و غیره را هم که لازمه تدریس در مدرسه حقوق است تدریس کند.

اگر فرض اینست که جنبه فقهی قوی شود البته بنده هم موافق هستم و همه آقایان هم موافق میباشند که فقه که قانون مدنی این مملکتست ترویج شود و در آن کسی حرف ندارد.

لیکن چنانکه عرض کردم لازمست دانستن فقه این نیست که از سایر معلومات حقوق بین المللی محروم باشیم یا اینکه محتاج بمعلمین فرانسوی نباشیم و این قسمت مربوط بان قسمت نیست.

و يك جمله دیگری که آقای طهراني فرمودند

خواستم برای تذکر خدمت آقا عرض کنم که اینکه ایشان فرمودند آقای منصور السلطنه تحصیلشان را در مصر کرده اند این طور نیست تحصیلات مقدماتی ایشان در مصر بود ولی در يك مدرسه حقوق باریس تحصیلشان را تمام کرده اند و هر ایرانی که از آن مدرسه بیرون آمده باشد و در آنجا تحصیلش را تمام کرده باشد ما میدانیم که خوب فهمیده است و خوب تحصیل کرده است.

بهین دلیل بنده عرض می کنم که باید ما از معلمین فرانسوی استفاده کنیم و علاوه بر این بهمان دلیلی که فرمودند در ایران بهجات و مناسباتی ایرانی ها فرانسه خوب یاد گرفته اند ما باید از معلمین فرانسوی استفاده کنیم.

چون شاگردان برای استفاده از معلومات آنها حاضرند و اغلب فرانسه می دانند و اینکه بعضی از آقایان نمایندگان فرمودند که کابیتولاسیون نداریم بنده هم امیوار هستم که در آتیه این فکر عملی شود و اساساً نشناخته باشیم معنای واقعی نشناختن کابیتولاسیون اینست که قفسو لاهادر مملکتی که حق خاکپیت آن با ملت است نسبت با تاج خودشان هم حق تضاروت دارند.

بعضی از نمایندگان (با همه) - در اینجا هم حق ندارند.

شریعت زاده بنده هم نخواستم عرض کنم در اینجا حق تضاروت دارید خواستم عرض کنم مطابق ترتیباتی که استقلال تام قضائیه در هر مملکت معمول است ما هم بهمان ترتیب جلو برویم و نظر بنده این بوده است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟

(گفتند بلی کفایت)

رئیس - رأی گرفته می شود بآه اول آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم (اینطور خوانده شد)

ماده دوم - مبلغ سیصد تومان در موقع خانه دادن باین قرارداد بیارون فراشون برای مراجعت یووان خود خرج سفرا نذیه خواهد گردید

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - موافقم

رئیس - آقای تجدد

تجدد - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد

(گفتند - خیر)

رئیس - رأی گرفته می شود بآه اول آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم (بترتیب ذیل قرائت شد) ماده سوم - دولت مجاز است سایر شرایط و مقررات استخدام بارون فراشون را مطابق قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و کثرت مشارالیه را امضا نماید رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد) رئیس - رأی گرفته می شود باین ماده آقایانی که موافقت قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد شور در کلیات است - آقای آقا سید مقوب (اجازه) آقا سید مقوب - بنده میدانم شورد در کلیات آخر هم تصویب می شود و این لایحه هم تصویب خواهد شد. از همین نقطه نظر مختصراً عرض می کنم بنده می خواهم توجه خاطر آقای کفیل محترم وزارت معارف را باین نکته جلب کنم که روز گذشته در کمیسیون بودجه یک نفر از اساتید مجلس اظهاراتی کردند که خیلی محل توجه شد و اظهارات ایشان همان مسئله بود که آقای طهرانی در ضمن مذاکره ایشان اظهار کردند ما قریب هفتاد سال است که از خارجه معلم می آوریم ایران را اگر بنا باشد باین ترتیب که تمام علوم ما را تحصیل ما بزرگان فرانسه باشد دیگر هیچوقت اصطلاحات علمی زبان فارسی پیدا نمی کنیم و بنده بقدر آقای آقا میرزا علی تند نیستیم که بگویم مدرسه حقوق لازم نداریم ما مدرسه حقوق می خواهیم ولی میگویم باید مطابق باشد با همان چیزی که از مجلس چهارم گذشت که هر کدامش باید بیاید در مجلس و مجلس آنرا تصویب کند و در وقت آن نظر باشد

لیکن مخالفتی که بنده می خواهم بکنم این است که در کمیسیون یکی از بزرگان اظهار کردند که حقیقتاً جلب انتظار کمیسیون را کرده که حالا بنده در مجلس عرض می کنم که اگر بنا باشد که معلمین را که ما می آوریم تمام تدریس ایشان زبان فرانسه باشد تمام اصطلاحات علمی بزرگان خودمان پیدا نمی کنیم

باینجه زمانی را که بزرگان ایران برای زبان فارسی کشیده و زبان ایرانی را زنده کردند مجدداً بر میگردیم و دچار می شویم. زبان لاتینی و سبلی می آید و بکلی ملیت ما را از بین میبرد

این مسئله فوق العاده قابل توجه است و گمان می کنم تمام آقایان هم توجه داشته باشند و آقای آقا شیخ محمد علی هم که مخالفت داشتند باین لایحه از این نقطه نظر بود

این است که بنده توجه آقای کفیل

وزارت معارف را که اینجا شریف دارند متوجه باین مسئله می کنم که نظر ما از مخالفت باین لایحه این است که یک ترتیبی بکنند یا دارالتربیه درست کنند یا یک طوری بکنند که اصطلاحات علمی بزرگان فارسی بشود و اگر غیر از این ترتیب بشود اصطلاحات علمی بزرگان فارسی هیچوقت پیدا نخواهد شد

بهره ورت مخالفت بنده باین لایحه از این جهت است و از مجلس هم اجازه می خواهم مخصوصاً از خود آقای شیروانی که اجازه فرمایند این جهت را عرض کنم که اگر در مجلس آزادی عقیده نباشد و آزادانه کسی نتواند عقاید خودش را در مجلس اظهار کند در خارج که عقیده آزاد است پس در اینجا باید اظهار عقیده کند و کفیل آزاد است که عقیده خودش را اظهار کند ...

شیروانی - نه بر شد مدرسه آقا سید مقوب - اجازه فرمایند در تمام دنیا اشخاصی هستند که با هر تئوری که هست مخالفت میکنند الان در آلمان جماعتی پیدا شده اند موسوم به برهنگان و آنها میگویند ما باید سیر کنیم بهمان ترتیبی که اول نا وونامی بشر بوده است آزادی عقیده را که نمی شود جلوش را گرفت - شما حمله می کنید با قلم برزاعلی که ای داد و بی داد چرا چنین گفتی آقا اینجا مجلس عوام است (خنده نمایندگان) یعنی عقاید در اینجا آزاد است و همه کس میتواند با آزادی عقاید خودش را بگوید

یک مسئله دیگری را هم عرض کنم که آقای آقا شیخ محمد علی اظهار فرمودند و خودشان جبران کردند و آن این است که هیچوقت این اشخاصی که در عدلیه نشسته اند احکام شرعی در دست آنها نیست و آنها رافع تصرف عرفی هستند و باید مطابق احکام شرعی ندارد - احکام شرعی که کجا بود

رئیس - مقصود از مجلس عوام مجلسی است که در مقابل مجلس اعیان و سنا گفته می شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است رئیس - آقای حائریزاده (اجازه) حائریزاده - بنده هم مخالفم رئیس - آقای رهنما (اجازه) رهنما - در موضوعاتی که مطرح میشود در مجلس مخصوصاً در ایران بهتر است که یک صورت بعضی داشته باشد و برای اینکه ما دوره های تقنینیه کمتر داشته ایم غالباً مسائل بعضی منجر بلجاست میشود و چون نتواند آن که یک نفر مخالف با دلائلی که از

راجح بآن بمجلس آمد و آقای طهرانی کاندید برای تدریس فقه شدند بنده هم می بینم که ایشان فقه درس بدهند ولی بارون فراشون معلم فقه و حقوق اسلامی نیست او معلم حقوق بین المللی است بلی اگر بنا باشد برای حقوق اسلامی معلم بخواهند البته هر کسی را معین کنند با مراجعه بصورت بنامه اش بنده اول کسی هستم که تصدیق می کنم و رای خواهم داد ولی حقوق اسلامی را ما نباید از بارون فراشون بخواهیم

او باید حقوق بین المللی را درس بدهد و یک نفر فاضل دانشمند مجتهد هم برود حقوق اسلام را درس بدهد و چون این مسئله مکرراً اینجا اظهار شد لازم بود توضیح داده شود

آقای آقا سید مقوب هم که موافق بودند و در فرمایشاتشان مخالفتی اظهار نفرمودند فقط نظر واضح به فارسی که بقول یک نویسنده فارسی شکر است فرمودند البته فارسی شکر است و باید شکر ترش هم کرد ولی بارون فراشون نباید بکنند این را باید ادبای ما بیایند و لغات اصطلاحات آنرا درست بکنند و یک شکر خوبی درست بکنند که بنده هم شکر باشد

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و بعضی کافی نمی دانستند) مذاکرات آقایان موافق قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - کافی است - رای گرفته می شود باورقه نسبت باین لایحه که مشتمل بر سه ماده است آقایانی که موافقت وره سفید خواهند داد

(اغذ آراء بعمل آمد)

رئیس - اخذ آراء تمام شده بعضی از آقایان هم اگر نسبت بکسری اعضاء کمیسیون عدلیه رای ندادند ممکن است تشریف ببرند رای بدهند

(استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد) ورقه سفید علامت قبول ۷۱ ورقه کبود علامت رد ۲ رئیس - عده حاضران بود و دو با کثرت ۱ لاری تصویب شد

اسامی موافقین - آقایان حبیب الله خان شادلو - آقا سید حسن کاشانی - آقا رضا محمد آقا میرزا محمد خان معظنی حاج میرزا اسد الله خان کردستانی - حاج حسین میرزا - ارباب کبیر - سهراب خان ساکینیان - سلیمان میرزا - سید علاء الدین بهجانی - آقا میرزا رضا خان حکمت - آقا میرزا مهدی خان زاهدی - ناصر اندامی - آقا میرزا ذین العابدین رهنما - سید کاظم خان اتحاد

میرزا حبیب الله خان کمالوند - میرزا

عبدالعزیز صدر - آقا میرزا حبیب الله خان کمالوند - میرزا عبدالعزیز صدر - آقا میرزا محمد خان وکیل - میرزا رضا خان افشار - آقا میرزا حسن خان پیرنیا - سید ابوالفتح - هابیم - آقا شیخ محمد علی الموتی اسمعیل خان قشائی - آقا میرزا حسین خان پیرنیا - حیدر قلی میرزا حشمتی - حسن علی خان فرمند - میرزا محمد تقی ذوالقدر - عباس میرزا فیروز - میرزا سید احمد بهجانی - میرزا حسین خان اسفندیاری - میرزا محمد تقی بهار - حاج حسن آقا ملک - شیخ الاسلام ملایری - میرزا احمد خان شریعت زاده - اکبر میرزا - محمد ولی خان اسدی - دکتر حسین خان بهرامی - میرزا یوسف خان عدل - امیر حسین خان بهشتیاری - میرزا عطاء الله خان روحی - میرزا سلیم خان ایزدی - میرزا محمد خان اختر - علی خان معظنی - شیروانی - دست غیب - حاج میرزا علی رضا - سید ابراهیم ضیاء - میرزا صادق خان اکبر - هرمزی - محمد تقی خان اسعد - میرزا آقاخان مصر انقلاب - دکتر آقایان - سهراب زاده - دیوان بیگی - آقا رضا مهدوی - حاج میرزا احمد خان اتابگی - میرزا سید احمد احتشام - صدرائی - آقا شیخ های طاهری - دکتر ضیائی - سلطان ابراهیم خان افغانی

میرزا شهاب الدین - میرزا حسین خان علانی - یحیی خان زنگنه - محمد ولی میرزا فیروز - آقای سید کاظم یزدی - حاج میرزا یحیی دولت آبادی - دکتر امیرخان اعلم - حاج عبدالعلی طباطبائی دیبا - میرزا عبدالله خان معتمد

اسامی مخالفین - آقایان آقا سید مقوب شیخ محمد علی طهرانی - میرزا جواد خان خوئی - رئیس - اخذ آراء نسبت بکسری اعضاء کمیسیون عدلیه هم بقدر کفایت شده

بنا بر این چند دقیقه تنفس داده می شود

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - خبر های راجع بسایر معلمین مدرسه حقوق و مدرسه صنعتی نقاشی دارد که باید تکمیل شود بنابر این می ماند برای جلسه دیگر

خبر کمیسیون بودجه راجع بکثرتات مسیو یاباریان مطرح است (شرح ذیل خوانده شد) - سه ماده اول - بوزارت معارف اجازه

داده میشود - یاباریان تیمه دولت تر گردیدند از اول فروردین هفده ساله ۱۳۰۴ بست معلمی مدرسه دوا سازی برای مدت دو سال و سه ماه با حقوق ماهی هفتاد و پنج تومان استخدام نمایند

ماده دوم - دولت مجاز است در حدود ماده دوم قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ راجع بکثرتات مستخدمین خارجه سایر شرایط استخدام آقای یاباریان تیمه دولت ترکیه را معین و قرارداد آنرا امضاء نماید

رئیس - شور در کلیات است - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - بنده چون درست سردر نمی آورم که مقصود از دوا سازی چیست است یعنی ممکن است معانی مختلف و شقوق متعدده برای این لفظ بنده بهاولی خودم تصور کنم

اینست که یک توضیحی بخواهم آقایان بدهند که مقصود از دوا سازی چیست آیا مقصود یک نفر شیبست که بوسیله کارخانجات دواها را از آنمواد اولیه اش استخراج کنند و جوهر گیری میکنند؟

اگر اینطور است که محتاج بکارخانجات است و باید قبل از اینکه این آدم را استخدام کنیم آن قسمت را تحصیل کرده باشیم

بنده نمی دانم این قسمت تأمین شده یا نشده؟

اگر شده که بنده خیلی تشکر می کنم و حقیقتاً خیلی اسباب خوش بختی است که در سال یک مبلغ متناهی از ابتکار صرفه کتیم و بهوش اینتکه یک هفتاد هفتاد استعمالی گردیم و حالا جوهریانی از خارجه می آوریم خودمان آنها را درست کنیم و رفع یک قسمت از احتیاجات ما از خارجه شود

اگر اینطور است که بنده با کمال میل استقبال می کنم موافقت و اگر مقصود این است که این نسخه هائی که اطباء می دهند آنها را ترکیب کنند که این نواقصی که الساعه درد کسان دوا سازی ما هست رفع شود یا اینکه این آدم مفتش دوا فروش ها است و امش را گذاشته اند معلم یا اینکه بعد از استخدام این آدم حکم می کنند که دوا فروشی مخصوص بایشان خواهد بود و فقط ایشان باید دواها را ترکیب کنند

یعنی مثلاً دو مثال از فلان دوا و دو نخود یا یک گرم از فلان دوا از این شخص یا هم ترکیب بفرموشد؟

اگر مقصود اینست که خوب است کمیسیون یا آقایان توضیح بدهند تا بنده هم ملتفت شوم و آقایان اجازه ندهند که بنده کور کورانه موافقت یا مخالفت کنم

زبان اگر چنانچه موافقت با عقیده ام کرد بنده هم خوشبختانه جزو موافقین بشوم والا بدبختانه به مخالفت خود باقی میمانم

میرزا عبدالله خان معتمد مخیر کمیسیون - متأسفانه خیلی از مسائل بدیهی را آقای کازرونی میفرمایند ملتفت نشدم و غالباً در تحت این عنوان مخالفت میفرمایند و راجع به مسئله مسیو یاباریان میفرمایند که آیا مقصود از استخدام این معلم اینست که این شخص نسخه بچهی کند که مثلاً دو مثال فلان دوا را یا یک گرم فلان دوا را مخلوط بکند؟ غیر مقصود نسخه بچهی نیست

مقصود اینست که غالباً این دوا هائی را که از اروپا میاورند ترکیبائی دارد (والله جزئیات مفصل ترش را آقایان از قبیل آقای امیر اعلم و بعضی دیگر از آقایان اطباء بهتر میدانند)

مثلاً ملح الاتاریک دوائی است که از فرانک می آورند و خیلی هم احتیاج است و ما ناچاریم یک معلمی داشته باشیم که این ملح الاتاریک را یک قیمت ننزالی برای مادرست بکند و یک کسی لازم است که بشاگردان بیاموزد که بتوانند ملح الاتاریک بسازند و این وظیفه یاباریان است که دوا هائی که در اروپا ساخته میشود این جا بشاگردان بیاموزد که در ایران خودشان بتوانند درست بکنند و رفع احتیاجات بشود

این شخص معلم دوا سازی است و مدتها هم هست که خدمت کرده است و چون دولت وجودش را لازم دانسته است از این جهت کثرتاتش را پیشنهاد کرده است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم بورد در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول (مجدداً بضمون سابق قرائت شد)

رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - سه روز قبل این لایحه جزه دستورش زدند بیک مجلس یک نفر بن رسید و گفت من از شاگردان مدرسه دوا سازی هستم و چون مدتیست مدرسه تعطیل است اینست که خواهش می کنم یک کاری بکنید که این کثرتات زودتر بگذرد و در اینجا نوشته است (از اول فروردین هفده ساله) اگر از اول فروردین مشغول بوده است پس آن شاگرد نمایانم چرا بنده اینطور گفت و اگر مشغول نبوده است پس جهت اینکه ما با هم و بگوئیم از اول سال این موجب و شهرت را با ما بدهیم چیست؟

اگر از امروز مشغول کار می شود خوب است کمیسیون یا آقایان توضیح بدهند تا بنده هم ملتفت شوم و آقایان اجازه ندهند که بنده کور کورانه موافقت یا مخالفت کنم

بدهند تا ما هم ملتفت بشوم رئیس - آقای کفیل کفیل وزارت معارف - عرض می کنم مسیو یاباریان از اول سال بلکه از دو سال قبل در مدرسه دوا سازی مشغول تدریس بوده اند اینکه کثرتات او را که ب مجلس تقدیم کردند بواسطه بهره کار های زیاد که در مجلس و در کمیسیون ها بود در کمیسیون مطرح شد ولی امسال در کمیسیون بودجه مطرح شد و در کمیسیون بودجه اعتراضی شد به اینکه تصویب کثرتات از مجلس گذشته منافات دارد با قانون اساسی و لوابیح هر وقتی که تقدیم مجلس میشود از روزی که تصویب میکنند باید بموقع اجرا گذاشته شود

این شخص دو سال بوده است که کار میکرده است و ضمناً ما در خارج با مسیو یاباریان مذاکره کردیم که نسبت به سال های گذشته صرف نظر کنیم باینکه فرمودند خدمتشان عرض شده است که مدرسه تعطیل بوده است

عرض می کنم که تعطیل نبوده است منتهی خود این شخص بواسطه اینکه با او عهد داده بودند که کثرتاتش را پیش نهاد به مجلس شورای ملی میکنند نظر باینکه هنوز از تصویب مجلس نگذشته بود و تأخیر شده بود این بود که او اصولاً حاضر شدن در سر کلاس احترام کرد و گفت من حاضر نیستم برای اینکه برای من خیلی مشکل است چون کثرتات من نگذشته حاضر شوم و چنانچه تدریس کنم و با هم ترتیب خدمت خود مرا ادامه بدهم ولی این شخص از پیش مشغول تدریس بوده و کلاس درس هم از منتهای قبل دادر بوده است و غیر از این معلمین دیگر هم هستند ولی چون این شخص تیمه خارجه بود این جهت لازم بود کثرتاتش از تصویب مجلس بگذرد

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - موافقم رئیس - آقای شریعت زاده شریعت زاده - موافقم رئیس - آقای دستغیب دستغیب - در اصل قضیه بنده مخالف نیستم ولی در این اشکالی که آقای رضوی فرمودند آقای کفیل درست دفاع نکردند و درست توضیح ندادند موضوع این است

مدرسه یا تعطیل بوده یا نبوده به آن کاری نداریم یاباریان هم نباید استخدام بشود البته قبول داریم اما خود آقای کفیل هم تقریباً این طور فرمودند که مدتی این شخص سر کلاس نیامده پس در اینصورت حق ندارد

رئیس - تصویب شد ماده سوم (بترتیب ذیل قرائت شد) ماده سوم - دولت مجاز است سایر شرایط و مقررات استخدام بارون فراشون را مطابق قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و کثرت مشارالیه را امضا نماید رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد) رئیس - رأی گرفته می شود باین ماده آقایانی که موافقت قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد شور در کلیات است - آقای آقا سید مقوب (اجازه) آقا سید مقوب - بنده میدانم شورد در کلیات آخر هم تصویب می شود و این لایحه هم تصویب خواهد شد. از همین نقطه نظر مختصراً عرض می کنم بنده می خواهم توجه خاطر آقای کفیل محترم وزارت معارف را باین نکته جلب کنم که روز گذشته در کمیسیون بودجه یک نفر از اساتید مجلس اظهاراتی کردند که خیلی محل توجه شد و اظهارات ایشان همان مسئله بود که آقای طهرانی در ضمن مذاکره ایشان اظهار کردند ما قریب هفتاد سال است که از خارجه معلم می آوریم ایران را اگر بنا باشد باین ترتیب که تمام علوم ما را تحصیل ما بزرگان فرانسه باشد دیگر هیچوقت اصطلاحات علمی زبان فارسی پیدا نمی کنیم و بنده بقدر آقای آقا میرزا علی تند نیستیم که بگویم مدرسه حقوق لازم نداریم ما مدرسه حقوق می خواهیم ولی میگویم باید مطابق باشد با همان چیزی که از مجلس چهارم گذشت که هر کدامش باید بیاید در مجلس و مجلس آنرا تصویب کند و در وقت آن نظر باشد

لیکن مخالفتی که بنده می خواهم بکنم این است که در کمیسیون یکی از بزرگان اظهار کردند که حقیقتاً جلب انتظار کمیسیون را کرده که حالا بنده در مجلس عرض می کنم که اگر بنا باشد که معلمین را که ما می آوریم تمام تدریس ایشان زبان فرانسه باشد تمام اصطلاحات علمی بزرگان خودمان پیدا نمی کنیم

باینجه زمانی را که بزرگان ایران برای زبان فارسی کشیده و زبان ایرانی را زنده کردند مجدداً بر میگردیم و دچار می شویم. زبان لاتینی و سبلی می آید و بکلی ملیت ما را از بین میبرد

این مسئله فوق العاده قابل توجه است و گمان می کنم تمام آقایان هم توجه داشته باشند و آقای آقا شیخ محمد علی هم که مخالفت داشتند باین لایحه از این نقطه نظر بود

این است که بنده توجه آقای کفیل



و بیرون بدون ملاحظه از هو و جنجال اینجا بیاید و اظهار کند.

اگر عقیده داش مخالف عقیده یک نفر دیگر هم می آید اینجا عقیده خودش را برخلاف او با دلائل اظهار می کند و بالاخره چیزی که قانون را طبعی و خوب می کند همان تصادم عقاید است بماند دیگر که در نتیجه یک حقایق روشن میشود.

و اما بنده به عقیده خودم شأن خودم نه انانم فیما بین همکاران خودم معارضه روزنامه ای را ترویج کنم و این خلاف شئون مجلس ما است مملکت ما یک مملکتی است شوروی دولت ایران یک دولتی است آقاسید یعقوب مشروطه.

کازرونی و ده چوقق از اوقات این شورویت و این مشروطیت و این مجلس از میان همراهدر وقت حکومت ایران حکومت مجلس است و همیشه ما باید بدستی الامکان احترام این مقام مقدس را رعایت کنیم و رعایت احترام این مقام مقدس را که منتها مقام حکومت ایران است مقدم بر همه چیز بدانیم و هر کس برخلاف این رفتار کند بنده دلیل بر بی علاقه گیش می دانم.

این مختصری بود که در این موضوع لازم بود عرض کنم نه جهت دفاع چون عرض کردم چندان مهم نیست و همان اعضا را برای من دفاع بود لیکن جهت تذکر برای آتیه عیب ندارد.

مطلب دیگر که خواستم عرض کنم راجع براه شوسه از شیراز بوشهر است چنانچه سابقا بعضی آقایان رساندم راه شوسه از شیراز بوشهر فوق العاده هم است و همیشه بیش از آن است که بنده بتوانم با این بیان الکن خودم درست توضیح بدهم.

اگر چنانچه این راه ازین برود آتیا دولت با مردم موفق میشوند که یک راهی نظیر آن راه شوسه بکنند یا نه؟ بنده هیچ نمی دانم در هر صورت این یک راهی است که بایستی به رفتی هست نگاه داری کرد.

بنده استدعا می از دولت این بود که فقط عواطف حاصله از این راه را برای نگاه داری این راه خرج کنند لکن به بهشتان اینطور نیست عایدی راه جز بودجه عمومی مملکتی میشود و راه را برف بارش و غیره واگذار می کنند که آن ها خرابش کنند کاش انلا در ستمش می کردند برای از دیاد هواید خودشان یا برای ادامه عواید خودشان.

بنده چنانچه اطلاع دارم این راه بکلی خراب شده و از حیز انتفاع و استفاده افتاده است بنابراین بنده خواستم تذکری بدولت داده شود که توجهی باین راه کرده باشد.

جمعی از نمایندگان دستور رئیس وزارت دستور شویم؟ (گفتند بلی)

رئیس در انتخاب دو نفر کسری امضاء کمیسیون عدلیه نتیجه حاصل شده است و هیچکدام از آقایانی که رأی داشته اند حاضر اکثریت نشده اند آقای اتحاد راجع بدستور فرمایش داشتند بفرمائید اتحاد اینک بنده عرض کردم راجع بدستور عرض دارم یک چیزی نیست که در مقابل گفته شود که ما مطالعه نکرده ایم تقریباً دستور همان است که در روز قبل معین شده یک ماده در قانون استخدام کسوری هشت ماده ۷۱ و تفریق این ماده است که جماعتی از آقایان امضاء کرده اند و مختصر تبدیلی در آن شده.

چون آقای ارباب تقاضا کردند که بودجه مجلس مقدم باشد بنده هم قبول کردم و تمنا می کنم بعد از بودجه مجلس این طرح قانونی چون حاضر شده است و غالب آقایان هم تقاضای فوریت کرده اند جز بدستور شده.

رئیس طرح قانونی ولایعه قانونی را در هر موقع می شود پیشنهاد کرد بودجه سه آتیه مجلس شورای ملی مطرح است (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول برای مخارج دو و از دوازده ماهه سال ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی مبلغ هشتاد و شش هزار و هفتصد و چهل و هشت تومان موافق فقرات (۱) الی (۴) ضمیمه اعتبار با ابره مباشرت مجلس شورای ملی داده می شود.

مجلس شورای ملی مبلغ بیست و پنج هزار و نهصد تومان موافق ماده ۲ ضمیمه تشخیص و اعتبار با اداره مباشرت مجلس داده می شود.

ماده سوم - برای حقوق و مخارج دوازده ماهه و اثنایه مطبوعه مجلس شورای ملی مبلغ چهل و یک هزار و هفتصد و هشتاد و شش تومان موافق فقرات ۲-۱ ضمیمه اعتبار با اداره مباشرت مجلس داده می شود.

ماده چهارم - مجلس شورای ملی با اداره مباشرت مجلس اجازه می دهد که عواید مطبوعه مجلس و باغ بهارستان را جزو جمع محاسبات مجلس محسوب دارد.

رئیس - شوردر کلیات است آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده بنده یک اصل کلی را معتمد می گویم که اهل تردید نیست آقایان هم تصدیق دارند که هر خوبی نسبت بغروب ترش بهتر است و هر بدی نسبت به بدترش خوب است.

این یک اصل کلی است یک جمله دیگر هم قابل تردید نیست که مرکز سعادت یا بدبختی مملکت اینجا است اگر اینجا درست شد امید هست که مملکت درست بشود.

سرچشمه اصلاحات و مفاد اینجا است ما اما اگر چنانچه خودمان را اول درست کردیم بعد با یک هزمنابتنی برای اصلاحات مملکت قدم برداشتم و وقت می شویم من این بودجه را مال این چند سالی که داشتم از سته ۱۳۰۰ تا سته ۱۳۰۵ که شش سال مقوالی است نگاه کردم دیدم یک گشاد بازبهای مادربودجه می کنیم که در وزارت خانهای دیگر نیست و ما اگر خودمان یک صرفه جوئی هائی نکنیم و یک دقت هائی در بودجه نکنیم حق نداریم یک پیشنهاد هائی که وزارت خانهای آورند اینجا اعتراض کنیم.

آقاسید یعقوب - حق داریم.

حائری زاده - اخلاقاً حق نداریم ما راجع بر تبه ها شکایت می کنیم که وزارت مالیه بقدر مدیر کل دارد با حقوق فلان مبلغ بنده بودجه ۱۳۰۰ را نگاه کردم در اداره مباشرت ۱۳۰۰ معاون اداری در سه ماه اول ۱۳۰۰ ماهی هفتاد و پنج تومان حقوقش بوده.

قلم بردرئیس محاسباتش ماهی ۶۰ تومان حقوقش بود.

اگر بگویم مجلس یک شعبی پیدا کرده است یا یک مجلس های کوچک زائیده است یا یک انجمن های ایالتی و ولایتی و یا مجلس سنائی پیدا شده است و یک شعباتی پیدا کرده است که اینطور نیست اداره مباشرت مجلس همانکاری را که در سته ۱۳۰۰ داشته حالا هم دارد و اگر چنانچه یک رعایت هائی هم باید بشود باید به همان نسبتی که در همه جای مملکت می شود اینجا هم بشود.

ما در اول ۱۳۰۰ معاون اداره مباشرت همان هفتاد و پنج تومان حقوق داشته حالا صد و شصت و چهار تومان حقوق دارد رئیس محاسباتمان ۶۰ تومان حقوق داشته حالا صد و شصت و چهار تومان حقوق دارد ما با این بودجه چه حق داریم اعتراض کنیم بوزارتخانه ها که نسبت به چهار پنج سال پیش بودجه ما را آنقدر سنگین کرده ایم.

ما را مطالعه کنیم مخارج آنست عبارت بود از یک مقداری تعمیرات در مجلس که سی هزار تومان کسری تعمیرات داشتیم و چهار در هزار و کسری هم خریدن ترنگ داشتیم.

ما در این هفتاد هزار تومان خراستیم رسیدگی کنیم وسنه خرج هایش را بنیم سایر چیزها که معین است حقوق و کلاست حقوق اجراء است که حسابش معین است حالا صندوق جرائم را تقصیرش را بعد عرض می کنم و خواستیم رسیدگی کنیم به سند خرج های خارجه که رسیدیم چون در مدارک ترفی و تنزل زیاد شده بود و در همه بالا و پائین رفتن بود.

خواستیم تطبیق کنیم مدارک را بالیره

اسمی یک تحقیقی می گرفت حتی یک رقم تخفیف بود.

در ولایات ما یکجائی ده هزار تومان مالیتش بود جمعی آمدند تخفیف گرفتند آنوقت مالیت آنجا شده بود دوازده هزار تومان آقایان آنجا دوازده تومان تخفیف یک شخصی یا شخصی داده بودند این را اضافه کرده بودند بالیات.

یک وقتی اهالی باقی جمع شده آمدند بشهر که ما دوازده تومان تخفیف نمی خواهیم مالیت ما ده هزار تومانست و دو هزار تومان تخفیف باسم ناحق روی ما گذاشته اند و مالیت ما شده است دو هزار تومان و این دوازده هزار تومان را از ما ضعفا می گیرند می دهند به یک دسته دیگر.

حالا ما وارد در ستون اعتبارات می میشویم یک جمله ای را عرض کنم که مقدمتاً یک جمله ای را عرض کنم که علت اینکه من وارد این موضوع شدم چه بوده است که آقایان فرمایند خارج از موضوعست.

بنده سال پیش عضو کمیسیون محاسبات بودم بدیهی است وظیفه کمیسیون محاسبات رسیدگی کردن بحسابات لایحه تفریح بودجه سته ۱۳۰۲ آمد یک کمیسیون محاسبات ما خواستیم بدیگی کنیم یک کتابچه هم از طرف آقای ارباب نشر شده بود.

من آن کتابچه را که دیدم هر آن حرفی کرد که رسیدگی کنیم فقط باینکه اماد داریم اطمینان داریم قناعت نکنیم دیدم در یکی از اقلامش نوشته بود مخارج گبرک در انزلی و نصف مخارج مسافرت آقای ارباب کیخسرو و مخارج فلان چهار هزار و سیصد و هفتاد و سه تومان و دولتی و هفتصد و هفتاد و پنج دینار یعنی یازده شاهی و نیم.

من این نیم شاهی را که دیدم گفتم من باید رسیدگی کنم این حساب خیلی منظم است حساب نیم شاهی کجا پیدا شده؟

وارد شدیم برسیدگی که سند خرج ما را مطالعه کنیم مخارج آنست عبارت بود از یک مقداری تعمیرات در مجلس که سی هزار تومان کسری تعمیرات داشتیم و چهار در هزار و کسری هم خریدن ترنگ داشتیم.

ما در این هفتاد هزار تومان خراستیم رسیدگی کنیم وسنه خرج هایش را بنیم سایر چیزها که معین است حقوق و کلاست حقوق اجراء است که حسابش معین است حالا صندوق جرائم را تقصیرش را بعد عرض می کنم و خواستیم رسیدگی کنیم به سند خرج های خارجه که رسیدیم چون در مدارک ترفی و تنزل زیاد شده بود و در همه بالا و پائین رفتن بود.

خواستیم تطبیق کنیم مدارک را بالیره

والیره را با یول آلمان و چون بفاصله یک هفته خیلی کم بود با ما امکان بود در پول ما باشد نتوانستیم در حقیقت عاجز شدیم صرف نظر کردیم.

گفتیم هر چه هست درست است یکی از اسناد وسنه خرجی که از پرلین آمده بود با اینجا خرجی بود راجع بیک ماشین که از سیف آزاد خریده شده بود مدیر روزنامه آزادی شرق کوبا با ایشان باشند.

این سند شرح حالا درست نظرم نیست چون حساب سال پیش است دوسه اش در کمیسیون ممکن است موجود باشد.

آنجا نوشته بود که این ماشین را آقای سیف آزاد فروخت با آقای ارباب کیخسرو و مبلغ فلانقدر و برای اینکه این ماشین برای مطبوعه مجلس شورای ملی ایران خریده شده بود این قدرم تخفیف داد از قیمت برای اینکه خدمت کرده باشد بمطبوعه مجلس همدار شد که فلان ماشین سرب بیزی را هم خودش مجاناً درست کند و بدهد این مسئله اسباب سوءظن من شد.

با اینکه خیلی اعتماد آقای ارباب داشتیم و دارم و خواهم داشت اسباب سوءظن من شد که این معامله که در فرنگ شده اگر بنا بود با سیف آزاد بود که کثرتی بنده که دو ماشین بفروشد سیف آزاد بدیهی است که خودش دارای فایر بک نبوده که بیاید و ماشینش را بفروشد و برای ترویج ماشین خودش یک مبلغی هم تخفیف بدهد که در ایران تبلیغاتی کرده باشد که ماشین کارخانه من این اندازه خوب است.

این شخص مسلم دلال بوده است و از یکجائی خریده است و فروخته است و آنکسی که دلال است نباید چینی برای او منافعی نداشته باشد نمی فروشد.

اگر دلال یک جنسی را آمد و فروخت بهزار تومان و بعد آمد دوست تومان تخفیف داد و صد تومان هم مخارج تعمیرات جنسی را عهده دار شد این بدیهی است تولید سوء ظن میکند من خواستم این را بفهم ولی من که نفهمم فتم از اروپا میائیم پائین آنرا که نفهمیم.

در قسمت ایران در مقابل این سی چهار هزار تومان تعمیراتی که شده بود بینم چه شده؟ تعمیرات چهار بوده؟ تعمیرات اینجا خراب کردن یک حمامی بود و فهرستش اینجا هست ممکن است بنده قرائت کنم و آن اطابق هم که کمیسیون معارف تشکیل میشود دوسه در طرف آن تعمیرات باز کرده اند.

این هم یکی از تعمیرات آن دوره است یک حمام آنطرف بوده خراب کرده اند و شیر و وانها را رنگ و روغن زده اند و دوسه شیر و وانها هم ساخته اند.

من دیدم سی هزار تومان نمی شود بنده خودم کلکار نیستم ولی پیش خودم دیدم

آقدر نمی شود.

گفتم آنکسیکه اینها را ساخته بیاید بما نشان بدهد که آن چیز هائی را که خریده اند چه بوده و آن چیز هائی که در اینجا بوده از هم تفکیک شود که ما بینیم آن آجر هائی که خریده اند چند هزار بود و چند هزار آجر در خرابه های حمام موجود داشته ایم.

چون یک حمامی را که خراب میکنند آجر داشته آجر نوری که خریده اند از آجر کهنه تفکیک شود تا ما بتوانیم تخمین کنیم آن معماران من که ندیدیم و نیامد پیش من!

چیزی که مرا متأثر کرد و صرف نظر کردم یک فرمایشی بوده که آقای ارباب کرده بودند که فلانکس از نقطه نظر مخالفت با زردشتی ها با من مخالفت میکنند این حرف خیلی بنده را متأثر کرد که تا آن روز بنده را آورد پشت این تریبون.

بنده در این موضوع بیشتر حرف نمیزنم از ورته مستر خدابخش مقبول مردم باید بپرسند که بنده با زردشتی ها مخالفت داشتم و از این نقطه نظر بالرباب آن سفری که بنده رفتم به نزد مادر وزن او در منزل من گریه میکردند که شوهر و پسر او کشته شده بود و قاتل او را تحت حمایت گرفته بودند و دستگیر نشده بود حالا من در این موضوع بیشتر صحبت نمی کنم این مسئله برای من خیلی اسباب تأثر شده که لازم دانستم اطلاعات آن روز خودم را بعضی مجلس برسانم این موضوع را صرف نظر میکنم.

موضوع اعتبارات خصوصی که در اینجا نوشته شده سال پیش قلم اعتبارات را وقتی نگاه میکنیم با ستون ما قبلش برای هر اسمی که فرض میشده است یک ستونی هست مصارف روشنائی یک ستونی دارد مصارف آبدارخانه یک ستونی دارد لوازم لقوتخانه سرابدارخانه و تلنگر افغانه یک ستون دارد لوازم تحریر و مطبوعات یک ستون دارد در صورتی که خودمان مطبوعه داریم تلگرافات داخله و خارجه و دست و تلگراف یک ستون دارد مصارف متفرقه که نمیشده اسمی برایش پیدا کند یک ستون دارد فوق العاده نظامیها یک ستون دارد جرایم یک ستون دارد.

در صورتی که یک جرایم خارجی که اگر و کلا یک وقتی خواستند مسائل مهمه دنیا مراجه بکنند هیچ نیست.

هین روزنامه های خودمان است که آبروه شده اند و از خارج روزنامه نداریم لباس مستخدمین دارد پول ذغال سنگ و چوب سفید دارد تبه نوائس اثنایه هم ساله در بودجه هست تعمیرات و بنائی دارد

اعتبار کتابخانه برای اثنایه و لوازم و کتبش دارد.

بعلاوه اعتبارات فوق العاده هم دارد این اعتبار فوق العاده بعضی سالها دوهزار تومان و بعضی سالها بیشتر و بعضی کمتر ولی بیش از سه هزار و شصت تومان نشده بود در آن سنوات پانصد شصت تومان بیشتر خرج نمیشده.

سال پیش چون یک مسئله بود که اختلاف نظر بود بین بنده و سایر باخترین راجع به تشکیلات داخلی مجلس بنده معتقد بودم که یک نفر مدیر کل ادارات مجلس لازم دارد برای اینکه اگر یک موقعی پیش بیاید که و کلا نتواند رسیدگی کند بکارهای اداری مجلس این مدیر کل ادارات مجلس را بپوشاند.

امروز اداره مباشرت و اداره تقنینیه در موقع بودجه نوشتن آقایانی که در مباشرت بوده اند اطلاع دارند که با یک نظر هجومی و رقابتی بهم نگاه میکنند من معتقد بودم که یک مدیر کلی میخواهد که این دو اداره را بپوشاند.

امروز اگر چنانچه آقای ارباب را از روی این اداره مباشرت بردارند اداره مباشرت معلوم نیست چه میشود؟ متلاشی میشود من معتقد بودم که باید اداره شکلی باشد که قائم بشخص نباشد امروز بنده مباشرت فردا زید آقا.

یمن فردا فلان آقا.

مملکت استبدادی با شوروی فضا فرقت همین است که این قائم بشخص است و آن قائم با اداره دفتر.

این اختلافات نظر بود و قبول نمیشد در کمیسیون وقتی خواستیم بودجه را تنظیم کنیم مجلس اعتبارات را برای استخدام یک نفر مدیر کل در ستون اعتبارات پیش بینی کنیم که بعد اگر توافق نظر پیدا شد در هیئت رئیسه نتوانستیم آن فکر را پیش ببریم مجلس حقوقش را داشته باشیم.

این بودجه ۲۶۰۰ تومان هفت هزار تومان شد و این محل اعتباری که اضافه شد برای استخدام یک نفر مدیر کل بود که در نظر گرفتیم اگر در هیئت رئیسه استخدام مدیر کل معطس باشد یک ستون دیگری هست که سال پیش بود و امسال می بینم اضافه شده و آن اعتبار خصوصی است.

اعتبار خصوصی که امسال پیش اضافه کردیم و اگر در سنوات ما قبل را مراجه بفرمائید هیچ سال باسم اعتبار خصوصی چیزی نوشته نمیشده.

این اعتبار خصوصی برای این بود چون نظری در اداره مباشرت پیش آمد که مجلس آمد ولی مجلس رد کرد و آن موضوع جرائم بود.

اگر نظر آقایان باشد ما جرائم را جزو هایدات نوشتیم که همین شکلی که هایدات

باغ و عایدات مطبوعه را جزو هایدات جمع آوری میکنند جرائم را هم بحساب عایدات بیارند چون در سنوات ما قبل یک خرجهائی که در مجلس پیش میامده است از مجلس جرائم داده میشده است.

گفته شد وقتی که ما جرائم را در سنوات هایدات آوردیم دیگر آن خرجهای ما محل ندارد.

این بود که یک مبلغی باسم اعتبار خصوصی که قائم مقام اعتبارات جرائم سنوات قبل باشد مال اینجا اضافه کردیم و در مجلس این که جرائم در ستون هایدات باشد رد شد.

اما اعتبارات خصوصی سال پیش در بودجه مانند امسال هم می بینم باز دنبالش آمده در صورتی که جرائم را هم مثل ما که یاز سال جزو هایدات پیش بینی کرده بودیم نکرده اند پس این اعتبار خصوصی برای چیست؟

برای هر قلم اعتباری که فرض میشده حتی مصارف متفرقه هم اعتباراتی در ستون های مختلفه نوشته ایم راست است همه ماها اعتماد داریم با آقای ارباب و امیدوارم ما با اعتمادمان باقی باشیم و ایشان هم بحسن خدمت خودشان باقی باشند.

ولی حساب را باید همیشه درست دقت کرد باید دید که این اعتبارات برای چه تصویب میکنند؟ آخر اسامش را هم بفهمیم که برای چیست؟

سال پیش برای این که جرائم را از صندوق خصوصی وارد ستون عمومی کردیم آن اعتبار خصوصی را پیش بینی کردیم ولی امسال که این حرفها نیست پس دیگر این اعتبار خصوصی برای چیست؟

رئیس آقای ارباب کیخسرو (اجازت)

ارباب کیخسرو بنده در اینجا فقط در قسمت هائی صحبت خواهم کرد که راجع بحساب بودجه است در قسمت های خصوصی هیچ سؤال و جواب نخواهم کرد اولاً راجع بحقوق اشخاص صحبت کردند که چه شده است ترفی کرده آقایانی که مستحضرند میدانند سته هزار و سیصد که مجلس افتتاح شد بعد از شش سال تفرت بود و در مدت تفرت گذشته از اینکه حقوق اضافه نشد کم شد برای این که اختیار بدست دولت بود و هر روز حقوق را میزد و این مستخدمین هم بهر حال مستخدم بوده اند و بایستی ترفی خدمت و حقوقی داشته باشند.

بعد هم که متدرجاً مجلس تشکیل شد همان ترفی که در هیئت رئیسه حقوق مستخدمین را که داخل خدمت بوده اند در نظر می گرفتند به همان ترتیب بودجه اش پیشته ساد می شد و مجلس هم تصویب می کرد بعد از تصویب هم اداره مباشرت عمل میکرد.



اداره مباشرت بدون تصویب مجلس یکدیگر با یکدیگر نپرداخته است. فوه حاکمیت با مجلس بوده است و اداره مباشرت هم نمی توانسته است نظر خصوصی برای خودش اتخاذ کند منحصر بآن دو قلمی هم که اینجا فرمودند نبوده و همه ترفیقات هم نسبت با اداره مباشرت و هم نسبت به تقیضیه هم نسبت تمام بودجه بود و دلیل بهتر که منحصر نبوده بلکه حقوق نمایندگان بیکر تبه از صد تومان رفت بدو دست تومان در صورتیکه سابقه خدمت هم در هیچ جا نداشته اند مفتضیات وقت دلیل این شد که حقوق آقایان و کلاً از صد تومان بدو دست تومان برود در همان موقع که اداره مباشرت پیشنهاد کرد حقوق نمایندگان از صد تومان دو دست تومان بشود. از این نقطه نظر بود که آقایان نمایندگان آمده بدو دست یک مدتی اینجا معطل شده بودند و خرج هائی را منحل شده بودند و ده اول اداره مباشرت به عنوان مدد خرج پیشنهاد کرد خرد خرد جزو بودجه شد. پس این جا فقط یکطرف نداشته است راجع به تفریق بودجه سال ۱۳۰۲ مذاکره فرمودند. اولاً در همان موقع که لایحه میگذشت بهتر این بود که صحبت با ایشان را میگرداند و بعد از تصویب تقریب بودجه این فرمایش را اینجا میفرمودند. دیگر این که فرمودند چه شده که حساب دارای یکشاهی و نیشاهی شده باید دارای یکشاهی و نیشاهی بشود برای اینکه در تسهیر وقت حساب میکنند اگر دارای نیم دینار هم بشود باید به حساب بیاورند این مسئله راجع بشعراست. آن معامله که بنده در آنجا کرده ام اگر آقایانی که اهل بصیرت و اطلاع باشند بنده میل دارم که آن معامله را کس دیگری برود و دو مده قابل قیمت بکنند. بنده در آنجا فداکاری کردم تحقیق بکنید و بصورت حسابهایش مراجعه کنید و ببینید چه چیز از کار خانیجات گرفته شده وجه قیمت تمام شده و باید تحقیقات ملاحظه شده مازک یا فرانک یا لیره یا هر چیز دیگر صورت حساب کارخانه حاضر است تحقیق هم آن است. صورتهایش هم تمام با لیره تعبیر شده است و پولش هم در آنجا پرداخته نشده. برات لیره پرداخت شده است. اسناد کار خانیجات هم تمام بمدار تعقیقات صورت جزو کوش در کمیسیون محاسبات بوده و اگر کمیسیون محاسبات رسیدگی نکرده بین مربوط نبوده است اداره مباشرت حسابش را بدهد کمیسیون

محاسبات هم رسیدگی بکنند و مدتها هم رسیدگی شده است. راجع سیف آزاد فرمودند بنده خیلی میل داشتم که ایشان وقت میفرمودند در تحقیق امر اطلاعات حاصل میگردند در خارج کارهای راجع به مملکتی را نسبت بیک کارخانه بکنند تجار یا اشخاص مخصوصی عهد میگیرند که اشیاء آن کارخانه را ترویج کنند. مثل این که بکنند از ایرانی ها در آنجا هست میرزا رضا خان سرتیپ که در آنجا عنوان نمایندگی دارد برای کارخانه مخصوصی آنکارخانه با ایران و افغانستان و ترکستان معامله دارد و هر چه معامله بکنند هم از این که این شخص داخل باشد یا نباشد صد پانزده آن کارخانه باین شخص بدهد. این فراری است که با کارخانه بسته اند اگر آقای حائری زاده وقت فرموده باشند در مجله صنایع شرق و اروپا که چاپ میشد و عکس آن ماشین را میکشیدند آن ماشین تیپو گراف همان ماشین لطیفی است که اولین دفعه است که بایران آمده و الان در مطبوعه است. همان ماشینی است که همراه سرهت تحریر حروف را میریزد و وسط بند میبندد وزیر ماشین برود در آنجا ملاحظه فرمائید هشتم لیره قیمت آن را نوشته آنوقت ملاحظه فرمائید که بنده از سیف آزاد چند خریدم ام چرا از سیف آزاد خریدم؟ سیف آزاد نماینده آن کمپانی بوده است صد بیست حق خودش بوده است و آن صد بیست را که از کمپانی باید بگیرد بمن تخفیف داده است. این حق او بوده و بنام مجلس شورای ملی رعایت کرده و نگرفته است. این راجع بآن قسمت. راجع بآن دیگر شرمش که فرمودند چون بنده وقتی آن ماشین را خریدم آن ماشین با فوه برقی کار میبرد و با فوه برقی سرش را آب میکرده است. بنده احتیاط اینکه اینجا ممکن است ما فوه برقی نداشته باشیم خواستم دیگرش را عوض کنم و دیک نفطی درست کنند که در اینجا بتواند با دیک نفطی کار بکند و سرب خودش را آب بکند که اینجا اسباب سرگردانی ما نشود آنهم پانزده لیره قیمتش بوده است که نگرفته و خودش منحل شده است و داده است. حالا اگر او خلاف کرده است که این تخفیف را داده است و از حق خودش گذشته است بعد از این ممکن است کسی این خلافها را نکند. راجع به مخارج مسافرت هم که چهار هزار تومان فرمودند شاید تصور شود که بنده چهار هزار تومان خرج سفر داشتم. هزار و چهار صد تومان خرج سفر بنده شده

است شش ماه طول سفر بنده بوده است و با چندین کارخانه هم طرف بودم و همه جا هم میبایستی سفر کنم و بروم شهرها کارخانههایش را ببینم. تمام خرج سفر بنده همین بوده است و شاید اگر بکسی دیگر و گذارم شده مخارج خیلی پیش از اینها بود و خیلی تفاوت هم پیدا میشد. بنده پیش نفس خودم خجل نیستم بنده فداکاری کرده ام. هم من که میبایست به آسایش بگذردم. (چنانکه هر دیکران به آسایش گذشته) ضایع کردم از اوقات حضر کاسته ام و در راه مدت صرف کرده ام. هم من بفر گذشته و بعضی طوری ضایع نکردم که ضایع شده باشد و از برای مدت ضایع کردم و پیش نفس خودم متخرم که از اوقات خود کاسته ام برای ملت. راجع به تعمیرات و غیره فرمودند اولاً در آن موقع که راجع به تعمیرات مذاکره می شده است بنده گفتند که میبایست بودم یک ترتیبیاتی اداره مباشرت داشته است و مخارج خودش را می کرده است یک خانه جدید خریدم طارمی عوض کرده عارض کرده. بنده فقط تأثیری که دارم این است که ربا کار نبوده ام که این خرابها و این توده های خراب مجلس که دست بنده داده شده است عکسش را بر دارم که هر وقت صحبت بشود جلوی آقایان بگذارم که ببینند آن توده های خاک امروز صورت مطبوعه پیدا کرده است. آن عمارت ساخته شده است (خطاب باقی حائری زاده) خودتان هم آنوقت جزو مباشرین بوده اید. کتابخانه ساخته شده است. زمینهای نامور آنجا صورت دیگر پیدا کرده است. هر چه بوده بهر صورت مال خود مجلس بوده است و صرف خود مجلس شده است فقط بنده و سایرین توانسته ایم حتی الامکان بقدر فوه بشریت رعایت این را بکنیم که کسی دیناری حرف و میل نکند. حالا اگر در معنی کرده اند بنده است بنده غیبدان نیستم. حق بنده این بوده که رعایت را بکنم و با گواهی خدای خودم آن رعایت را هم کرده ام این هم راجع باین قسمت کمیسیون محاسبات هم تصویب کرده مجلس هم تصویب کرده است. راجع باعتبار اینها اظهار فرمودند اولاً این اعتبارات فوق العاده همیشه باید یک در جزو اعتبارات میامده است و برای چیز هائی است که پیش بینی آمده در کجای بودجه پیش بینی شده بود؟ اینست که همیشه باید یک اعتباری در دست باشد وقتی که اراده آقایان تمام گرفت که خرج بشود آن اعتبار باشد مثل اینکه در

سینه های گذشته از اعتباراتی که بجهت سیف آزاد شده است سالی بود است که هفتاد هزار تومان هشتاد هزار تومان خرج شده است. البته وقتی لازم نشده گرفته نشده است. در بودجه سال گذشته شصت هزار دو دست تومان خرج شده است لازم نبوده گرفته شده ولی اگر لازم شد باید معطلی در دست باشد. آن سه هزار و شصت تومان از این باب است و لی هفت هزار و کسری که در اینجا پیشنهاد شده خود آقایان اگر فراموش نکرده باشند نظر دارند که این زیاد شده سال گذشته است. همان قسمتی که بیان کردید ما یک وجوهی از محل جرائم میبرداختیم سال گذشته در نظر گرفته شد که جرائم کلیه عایداتش جزء جمع مملکتی باید در خرجش هم بیاید جزء بودجه وقتی آمد به مجلس اعتبارات خرجش را تصویب کرد ولی قسمت جمش را رد کرد و گفت که حساب جمش باید در خود مجلس باشد. حالا آن اعتبار چیست؟ انعاماتی است که در سه نوبت در سال آقایان تصویب کرده اند و سابقه هم دارد که بیست و هفت داده میشود آن اعتبار مخصوص همین بوده است. حالا اصلاح نمیدانید روش قلم بکشید اداره مباشرت هم نمیدانید صلاح میدانید است سه هزار و چهار صد تومان ما از اعتبارات سال گذشته کسر کردیم آن سه هزار و چهار صد تومان چیست که ما کسر کردیم چون خرج روضه خوانی را ما در ضمن آن اعتبار آورده بودیم و سابقاً در جزو محل جرائم بود آن قسمت جرائم که رد شده قسمت روضه خوانی هم دیگر آن اعتبار خرج نشده این بوده که آن سه هزار و چهار صد تومان را از آن جا حذف کردیم ولی اعتبار دیگری ما در اینجا پیش بینی کردیم که اعتبار حقوقی این اعتبار چیست، در هیئت رئیسه بنده ار آنکه مذاکره شده بود (که خود بنده هم حضور نداشتم) که یک ترتیبی برای قانون استخدام مستخدمین مجلس باید بود و آن قانون باید بگذرد البته وقتی که بگذرد ممکن است تطبیق آن قانون با ترتیب تولید خرجی بکنند و اشخاص باید بحق خودشان برسند. از این جهت اعتباری در اینجا گذاشتند که هر وقت قانون گذشت برای سال آتی بعد از آنکه تطبیق کردند معطلی بردارند آن هم اگر لازم شد میبردارند و اگر لازم نشد پرداخت نمیشود و اینست آن اعتبار. حالا بطور کلی بهر صورت این بودجه برای مجلس است و برای شخص بنده نیست. برای اداره مباشرت هم نیست که خرج مباشرت فقط مجری است

باید معین شود و آنوقت از روی آن قانون ترتیب رتبه بندی و ترفی و منزلت اعضاء مجلس و ارعایت کنند و در بودجه مجلس حقوق آنها را پیش بینی کنند. بنده با اینکه قانون هنوز نگذشته فکر میگردم که عجلتاً از روی همین قانون نگذشته بکرتبه بندی هائی در بودجه شده باشد ولی وقتی قانون مراجعه می کنیم می بینیم اینطور نیست و حقوق را اینجا با اشخاص داده اند و این دادن حقوق و کم و زیاد کردن آن یا تغییر رتبه ها از روی یک ترتیب یا یک اصول قانونی نبوده و باید این رعایت نشده. تا بحال که قانون نداشته ایم. ممکنست جواب داده شود که از روی سابقه ای که در مجلس جاری بود است یک بودجه نوشته میشد و میامده بنده این بودجه را که می بینم بسا بودجه سنوات قبل خیلی اختلاف دارد و می بینم که از روی سابقه هم این بودجه نوشته شده البته یکی از این دو اصل باید رعایت شود با سابقه ما نشان بدهند که از روی چه سابقه ای نوشته شده یا قانونی که از روی چه قانونی رعایت شده؟ اینجا قانون رعایت شده و نه سابقه. یک بودجه با دماغ اشخاص نوشته شده یعنی یک اشخاصی نوشته اند و یک بودجه نوشته اند بنده هم میگویم وقتی قانون دو مملکت وضع میشود برای اینست که حدود و حقوق در اینجا بنده نظر بشخص و اشخاص ندارم و هیچوقت هم نسبت هم در ستکاری یا اینکه یک اختلاف هائی در بودجه مجلس شده باشد بکسی خدای ناخواسته نمیدم و هیچ نظری ندارم فقط نظر بنده در اقدام بودجه و چیز هائی است که در اینجا نوشته شده است خارج از این بودجه که در مجلس آورده اند و منتشر کرده اند هیچ مرضی ندارم چند ایراد کلی اساساً بنده باین بودجه دارم. بودجه مملکت با مجلس باید اداره اصولاً باید از روی قانون نوشته شود. این چیز است که گمان میکنم محل انکار برای هیچکدام از آقایان نیست وقتی ما می توانیم بودجه مملکت را بنویسیم که رتبه و مشاغل و اعتبارات و تمام جزئیات آن یا قوانین موضوعه تطبیق شود ما برای مستخدمین کشوری وقتی بودجه می نویسیم جزئیات قانون استخدام را رعایت میکنیم. این بودجه را هم بنده میخواهم بفهمم که با چه قانونی تطبیق شده و از روی چه قانونی نوشته شده است؟ قانون استخدام مستخدمین مجلسی که هنوز صورت قانونی پیدا نکرده و تمام نشده است در آنجا است که تکلیف رتبه بندی ها

باید معین شود و آنوقت از روی آن قانون ترتیب رتبه بندی و ترفی و منزلت اعضاء مجلس و ارعایت کنند و در بودجه مجلس حقوق آنها را پیش بینی کنند. بنده با اینکه قانون هنوز نگذشته فکر میگردم که عجلتاً از روی همین قانون نگذشته بکرتبه بندی هائی در بودجه شده باشد ولی وقتی قانون مراجعه می کنیم می بینیم اینطور نیست و حقوق را اینجا با اشخاص داده اند و این دادن حقوق و کم و زیاد کردن آن یا تغییر رتبه ها از روی یک ترتیب یا یک اصول قانونی نبوده و باید این رعایت نشده. تا بحال که قانون نداشته ایم. ممکنست جواب داده شود که از روی سابقه ای که در مجلس جاری بود است یک بودجه نوشته میشد و میامده بنده این بودجه را که می بینم بسا بودجه سنوات قبل خیلی اختلاف دارد و می بینم که از روی سابقه هم این بودجه نوشته شده البته یکی از این دو اصل باید رعایت شود با سابقه ما نشان بدهند که از روی چه سابقه ای نوشته شده یا قانونی که از روی چه قانونی رعایت شده؟ اینجا قانون رعایت شده و نه سابقه. یک بودجه با دماغ اشخاص نوشته شده یعنی یک اشخاصی نوشته اند و یک بودجه نوشته اند بنده هم میگویم وقتی قانون دو مملکت وضع میشود برای اینست که حدود و حقوق در اینجا بنده نظر بشخص و اشخاص ندارم و هیچوقت هم نسبت هم در ستکاری یا اینکه یک اختلاف هائی در بودجه مجلس شده باشد بکسی خدای ناخواسته نمیدم و هیچ نظری ندارم فقط نظر بنده در اقدام بودجه و چیز هائی است که در اینجا نوشته شده است خارج از این بودجه که در مجلس آورده اند و منتشر کرده اند هیچ مرضی ندارم چند ایراد کلی اساساً بنده باین بودجه دارم. بودجه مملکت با مجلس باید اداره اصولاً باید از روی قانون نوشته شود. این چیز است که گمان میکنم محل انکار برای هیچکدام از آقایان نیست وقتی ما می توانیم بودجه مملکت را بنویسیم که رتبه و مشاغل و اعتبارات و تمام جزئیات آن یا قوانین موضوعه تطبیق شود ما برای مستخدمین کشوری وقتی بودجه می نویسیم جزئیات قانون استخدام را رعایت میکنیم. این بودجه را هم بنده میخواهم بفهمم که با چه قانونی تطبیق شده و از روی چه قانونی نوشته شده است؟ قانون استخدام مستخدمین مجلسی که هنوز صورت قانونی پیدا نکرده و تمام نشده است در آنجا است که تکلیف رتبه بندی ها

دوم اینکه اصل این حقوق را چند معین کرده اند برای اینکه اینجا نوشته اند که اصل مطابق قانون استخدام کشوری می شود و تمام است و آنوقت حقوق ثابت همینطور منشی دوم و منشی اول بیاید تا معاون اداره و از روی همان ترتیب باشد این را هم بنده در اینجا ندیدم. هم شاید کرده باشند و اگر اصل را باین ترتیب کرده باشند آنوقت فلان شخص را رئیس یا معاون کرده اند. آیا از روی همان اصل بنده است که شصت سی و دو تومان داشته و مطابق قانون آمده بالا؟ اگر اینطور است آن قانون چه قانونی بوده است که حقوق ها را اینطور آورده است بالا؟ اینست که بنده (در خارج هم خدمت آقایان عرض کردم) ترجیح میدهم که شور دوم قانون استخدام مستخدمین مجلس بگذرد و تکلیف رتبه بندی ها معین شود بودجه را از روی قانون بنویسند و الا این یک نظری نیست که بنده بگویم چرا فلان آقایان حقوق زیاد داده اند البته هر کس مطابق مقررات قانون کار بکنند باید او را حقوق بدهیم اما مطابق قانون. و عملاً ما قانون نداریم و مگر در همین را عرض کرده ام که مجلس دارد خانه پیدا می کند و این قانون باید نوشته شود بودجه هم که نوشته می شود باید از روی این قانون باشد این یک ایراد بنده بود باین بودجه دیگر اینکه در این ترفیقات و تنزلهای بنده خواستم مخصوصاً آقای معیر کمیسیون توضیح بدهند که چه امتیازاتی قائل شده اند برای اشخاصی که یک اضافاتی به آنها داده شده آیا با امتیازات منافی قائل شده اند که میماند اینطور نیست. زیرا بنده میدانم یک اشخاص فاضل تری هستند که در همین بودجه حقوق کمتر از دیگران می گیرند و امتیازات منافی در باره شان رعایت نشده آیا سوابق و مدت خدمت را رعایت کرده اند؟ آنرا هم بنده تصور می کنم اینطور نیست. برای اینکه اگر حساب کنیم سابقه خدمت و مدت خدمت یک عضو را با این مبلغی که در اینجا برایش معین کرده اند (چون می خواهم داخل اشخاص بشوم) می بینم مدت خدمتش شاید بانصف حقوقی که در اینجا نوشته شده تطبیق نمیکند پس سابقه خدمت هم منظور نبوده و از چه روزی و مطابق تصمصیم کی و چه هیئت این حقوق ها داده شده. بالاخره همانطور که عرض کردم تکرار میکنم که مطابق کدام ماده از قانونی این اضافه حقوق داده شده؟ پس در در رتبه بندیها بنده قائل هستم که امروز این بودجه را بگذاریم زمین و قانون استخدام را بگذاریم و بودجه را ببرند در

کمیسیون محاسبات و از روی قانون حقوق معین کنند. اینکه آقای ارباب فرمودند که اضافاتی که داده شده برای این بود است که چند سال قنرت بوده و نتوانسته اند یک اضافاتی بدهند آنوقت در این دو ساله یک اضافاتی داده شده. این فرمایش ایشان دو جواب دارد اولاً یک اضافاتی داده شده که ما می بینیم بدیگران در همان رتبه بودجه بوده اند داده نشده است که برای اینکه یک نفر معاون اداره که شاید مدت خدمت و سابقه او با یکی دیگر مطابق بوده سی چهل تومان تفاوت حقوق معین کرده اند در صورتی که این قنرت را هر دو اینها داشته اند و این سابقه را هم در دو داشته اند ولی اینجا یکی را حد اقل گرفته اند و یکی را حد اکثر پس اینجا هم نسبت به تمام افراد بطور مساوی رعایت شده فقط نسبت بیکی دوتا رعایت شده و با هم بنده می خواهم ببینم بر فرض اینکه استحقاق هم داشته اند از روی چه اصلی بوده که یک کسی را یک حقوق زیادتری بدهند و یکی را کمتر (و اما موضوع اعتبارات) بنده زائد میدانم که اظهارات آقای حائری زاده را تکرار کنم. پس بنده تصدیق میکنم که در بعضی مواقع یک خرج های فوق العاده ممکنست پیش بیاید که ما در اینجا برایش عمل نداشته باشیم ولی مجلس که برایش داریم. برای اینکه در این مدت دولت هم البته برایش یک مخارجی پیش می آمده است آنها چه میگردند؟ اعتباراتی که میخواهند لایحه اش را تقدیم می کردند و تقاضای فوریت میکردند آن خرج را از مجلس میگذرانند و ما آنچه اعتبار که ممکن است یک حرجی برایش پیش بیاید در اینجا پیش بینی کرده ایم. معیناً باز یک اعتبارات فوق العاده هم اینجا نوشته شده این چیست؟ حالا دولت ممکنست یک اعتبارات فوق العاده بخواهد که نتواند در مجلس اظهار کند مثلاً برای مخارج مخفی بخواهد. این ممکنست ولی مجلس که خرج مخفی ندارد مجلس چراغانی می خواهد بکند. هلنی هزار تومان. دوهزار تومان. سه هزار تومان خرجش است می آورند در مجلس میگویند فلاقتدر خرج چراغان داریم همه هم رای میدهند. بنابراین در این موقع که ممکنست یکی دو ماه قنرت پیش بیاید و ما نباشیم نمیتوانیم در سه هزار تومان خرج های فوق العاده پیش بینی بکنیم و تصور نمیکنیم این خرج ها پیش بیاید البته بعد هم سال آتی خرج هایش



مخارج دیگری هم خواهد آمد از کجا بدیم ؟

آیا باید وضع مالیات جدید بکنیم ؟ بین این ملت دیگر رقم دارد که یک مالیات دیگری بر آنها تحمیل کنیم استکشاف مماندم ؟ که تکردیم

پس برای اینکه بند تمام عقاید را در بودجه وزارت مالیه و مخارج بودجه های دیگر بگویم اینجا ناچارم بگویم آقا اول بنده باید سر خود مرا بشناسید تیغ را دست بگیرم و سر دیگران را برترشم حفظ نفسک یعنی اول نفس خود را موهظه کن و بعد دیگران را

این بودجه که درسته گذشته تصویب شد ما این قبیل مخارج روز افزون نداشتیم مخارج روز افزون کم مارا ختم خواهد کرد و ناچار میشوم که خدای بخواته استقراض کنیم و برای استقراض هم که مجلس رای نخواهد داد پس باید قناعت کنیم

آقای ارباب فرمودند که نمایندگان مجلس یکدفعه حقوقشان دوست تومان شد اولاً یک قدری بی مرحمتی فرمودند (اصلاً هیئت مقننه باید همه طور گرفتار تهمت باشد) نمایندگان در شهر غریبی وارد میشوند و مخارج هم می کنند آتوقت میارند اینجا بدمدم که دور تپه باید بر گردند ملاحظه بفرمائید تأسیس اناتیه که باید بگنند و بعد بفروشند اینها خودش چند تفاوت مخارج دارد

بعلاوه این دوست تومان که بالا می رود در بودجه سال ۱۳۰۴ آقا آنرا بالا بردیم با این حال بنده پیشنهاد می کنم از همین حالا حقوق نمایندگان صد و پنجاه تومان باشد اگر حق با ما باشد که ما وارد می شویم و همین ترتیب تبدیل می کنیم و این تجاوز کارها کارمانست

از اینجهت و نظر باین نکته که عرض کردم و این مخارج روز افزونی که بر ما وارد می شود این بودجه زیاد است و باید در تمام آنها تجدید نظر بشود بلکه پیشنهادی هم کرده بودم که این بودجه بر گردیده کمیسیون محاسبات مجلس و دو مرتبه در آن تجدید نظری بشود بعد پس گرفتن برای اینکه شور در کلیات رای داده شد

حالا انضامی کنم که با اصطلاح جدیدی ها این یک نمونه باشد و خوب است آقای وزیر مالیه که تشریف دارند بدانند که نظر ما این نیست که چون بودجه سال گذشته اینطور گذاشته است بودجه امسال هم همان طور تصویب شود خیر - نظر ما تنگ تر شده است و در تمام بودجه ما باید تجدید نظر کنیم

مثلاً بودجه که وزارت مالیه نوشته است هر قدر هواید ملکات زیاد شود این بودجه برای وصول آن کلیات می کند با این حال برای اجرای قانون مهمی دوست

مخارج راجع بناد اول نیست شش ققره مصارف در اینجا پیش شده است

یک اعتبار حقوقی است این را تصور نمیکنم هیچ یک از آقایان مخالف باشند بنده هم موافقم چرا ؟

چون قانون استخدام که اجراء شد باید هیئت رئیسه اعتباری داشته باشند که اشخاص را به حقوق خودشان برسانند اعتراض بنده بیشتر در این اعتبار خصوصی و فوق العاده و تهیه نواقص اناتیه و تعمیرات و بنائی است تاریخ اعتبار خصوصی را بنده عرض کردم که سال پیش ایجاد شده

فلش هم این بوده که بعضی خرجها بود که از محل جرایم داده میشود و فرمایشاتی که آقای ارباب کیخسرو کردند که سه مستخدمین جزو در سال سه دقه انعام داده می شود - اینها از آن محل جرایم داده میشود

سال گذشته در نظر گرفتیم که جرایم را جزو عایدات کلی بیاوریم مثل عایدات باغ و مطبیه که جرایم هم یکی از آن هوائید باشد در مقابل آن یک اعتبار خصوصی اضافه کردیم برای آن خرجها ولی مجلس موافقت نکرد

بعضی می گفتند مال خود آقایان و کلاه و خودشان هر موقع که منقعی بدانند برای کارهای عمومی مملکت مصرف میکنند و بعضی خلاف این نظر را داشتند و می گفتند وکیل ذی حق نمیشود که این پول را بگیرد وکیل در ساعاتیکه خدمت میکند پول می گیرد و آن ساعتی را که خدمت نمی کند حق اخذ حقوق ندارد و این جزء عراید کلی مملکت است و در سایه این اختلاف نظر اکثریت با اجماعی شد که می گفتند این پول باید در تحت نظر شخصی وکیل به مصرف برسد و آنرا رد کرده و آن اعتبار خصوصی جزء بودجه مانده بود امسال از می بینیم که دوم تبه در بودجه آمده است

ما مصارفی که بیش از سه هزار و سیصد و چهاراداشتم از هر عملی که میدادیم آن محل بجای خودش باقی است و این جمله اعتبار خصوصی هشت هزار و هشتصد تومان باز در اینجا نوشته شده با اینکه سابقاً از هر عملی که میدادیم حالا هم آن محل بجای خودش باقی است باز از همان محل داده شود

بودجه سه هزار و سیصد به بندرا به مرض آقایان می رسانم که ملاحظه فرمائید ما چه قدر برای تعمیرات و ماشین مطبیه رای دادیم که پول بگیرند بازم اینجا ضمیمه شده

در سه هزار و سیصد برای اناتیه و تعمیرات هزار و سیصد و پنجاه تومان داده شد

و البته باید لوازمی برای کتابخانه تهیه کرد لازم شد مصرف می شود لازم نشد مصرف نمی شود

می فرمائید تعمیرات برای چیست چیز غریبی است یک همچو مجلس و این همارت وسیع تعمیر ندارد

همین طور اینها بحال خود باقی خواهد ماند اولاً اینها اعتبار است هر قسنتش که ضرورت پیدا کرد مصرف می شود هر قسنتش که ضرورت پیدا نکرد و مصرف نمی شود

راجع به اعتبار خصوصی که این جا فرمودند عرض کردم این اعتبار خصوصی فقط اختصاص دارد بستخدمین که سه ساله آقایان با آنها برای سه موقع با آنها می دادند که یکی عیدی بوده است و یکی هم ماه رمضان و یکی هم سوخت زمستانی سال گذشته هم وقتی که مجلس اینطور رای داد اداره مباشرت هم می بایست مطابق آن عمل کند و ما راجع بجرایم که فرمودند که اینها از آن محل داده شود عرض می کنم جرایم چندان مبلغی نیست برای این که در سابق اگر آقایان فیهت طولانی می کردند اداره مباشرت آنها راجعه جرایم می دانست و ذخیره می کرد ولی در این دوره این کار را نمی کنند

از اول این دوره فقط اگر در آمد یک روز در روز غیبت کرده آنرا کسر می کنند و آنهم برای همان محلهائی که یک مصارف خصوصی دارد و مجلس خصوصی رای می دهند مصرف می شود و بیش از آن محل نخواهد بود و این اعتبار خصوصی حق مخصوص مستخدمین است می خواهند بدهند بفرزاد و بخواهند ندهند هم بفرزاد رئیس رای گرفته می شود بپاده دوم آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده است سه قرائت می شود

(گفتنی سابق قرائت شد)

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده عرضی ندارم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرضی ندارم

رئیس - مخالفتی ندارد

گفته شد خیر

رئیس - پیشنهاد اصلاحی از طرف آقای ارباب شده است

(بشرح ذیل قرائت شد)

چون در صورت جزء بودجه مطبیه برای ۱۳۰۰ مستخدمین اصلاحی شده است که تفاوتی در مبلغ نمی نمایم یعنی در مورد حاصل می شود لهذا مستخدمین است نظر بنده را تا همین نمیکنم

بنده بیک ناسباتی که اکثریت مجلس هم قائل شده اند البته مایک موسساتی لازم

در قسمت حروف چینی که یازده نفر بتفاوت مبلغ دوست و چهل و پنج تومان در ماه نوشته شده ۱۴ نفر و از قرار ماهی دوست و سیصد و پنجاه تومان و هفتصد و بیست و پنج تومان ذکر شده مترجم و منقش دو نفر بتفاوت حقوق از مبلغ هشتاد و چهار تومان نوشته شود که جمعاً در سال سیصد و هشتاد و چهار تومان از قسمت اول کسر و بر قسمت دوم اضافه می شود

رئیس - آقای ارباب توضیحی دارید

ارباب کیخسرو - توضیح همان است که در اینجا عرض شده است چون این جا نظر ضرورت و زیادی کار مطبیه یک نفر منقش که سابقاً از اعتبار داده می شده در موقع نوشتن بودجه از قلم افتاده است ولی برای این که در این جا تفاوتی در بودجه بود جمع کل حاصل نشود و از این جهت از آن قسمت کسری می شود و بر قسمت دیگر اضافه میشود

رئیس - آقای مغیر چه میفرمایید

مغیر - بنده هم موافقم و اوضاع هم کرده ام

رئیس - رای گرفته می شود بپاده سه

باین اصلاحی که شده آقایان موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده چهار قرائت می شود

(بمضمون سابق خوانده شد)

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده مستخدم که کلامه جرایم هم اضافه شود برای اینکه بیشتر از محل جرایم بعضی خرجهای داخلی مجلس پرداخته میشود و ما حقیقتاً آن ساعتی که مشغول کار نیستیم ذیحق نیستیم که از صندوق عمومی حقوق بگیریم و این حقیقت جزو عایدات کلی مملکتی است و همین شکل عایدات مطبیه و باغ جزء عایدات عمومی میباید جریبه هم باید ضمیمه آن ها بشود

رئیس - آقای شریعت زاده

(اجازه)

شریعت زاده - مخالفتی با ماده نشده است فقط پیشنهاد کرده اند عایدات جرایم هم داخل شود تصور میکنم اگر پیشنهاد کنند مجلس هم رای بدهد اولاً با ماده مخالفتی نکرده اند

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - بنده همانطور که عرض کردم طرز انشاء این ماده نظر آقای حائری زاده را ممکن است تأمین کند ولی نظر بنده را تا همین نمیکنم

بنده بیک ناسباتی که اکثریت مجلس هم قائل شده اند البته مایک موسساتی لازم

مصارف راجع بناد اول نیست شش ققره مصارف در اینجا پیش شده است

یک اعتبار حقوقی است این را تصور نمیکنم هیچ یک از آقایان مخالف باشند بنده هم موافقم چرا ؟

چون قانون استخدام که اجراء شد باید هیئت رئیسه اعتباری داشته باشند که اشخاص را به حقوق خودشان برسانند اعتراض بنده بیشتر در این اعتبار خصوصی و فوق العاده و تهیه نواقص اناتیه و تعمیرات و بنائی است تاریخ اعتبار خصوصی را بنده عرض کردم که سال پیش ایجاد شده

فلش هم این بوده که بعضی خرجها بود که از محل جرایم داده میشود و فرمایشاتی که آقای ارباب کیخسرو کردند که سه مستخدمین جزو در سال سه دقه انعام داده می شود - اینها از آن محل جرایم داده میشود

سال گذشته در نظر گرفتیم که جرایم را جزو عایدات کلی بیاوریم مثل عایدات باغ و مطبیه که جرایم هم یکی از آن هوائید باشد در مقابل آن یک اعتبار خصوصی اضافه کردیم برای آن خرجها ولی مجلس موافقت نکرد

بعضی می گفتند مال خود آقایان و کلاه و خودشان هر موقع که منقعی بدانند برای کارهای عمومی مملکت مصرف میکنند و بعضی خلاف این نظر را داشتند و می گفتند وکیل ذی حق نمیشود که این پول را بگیرد وکیل در ساعاتیکه خدمت میکند پول می گیرد و آن ساعتی را که خدمت نمی کند حق اخذ حقوق ندارد و این جزء عراید کلی مملکت است و در سایه این اختلاف نظر اکثریت با اجماعی شد که می گفتند این پول باید در تحت نظر شخصی وکیل به مصرف برسد و آنرا رد کرده و آن اعتبار خصوصی جزء بودجه مانده بود امسال از می بینیم که دوم تبه در بودجه آمده است

ما مصارفی که بیش از سه هزار و سیصد و چهاراداشتم از هر عملی که میدادیم آن محل بجای خودش باقی است و این جمله اعتبار خصوصی هشت هزار و هشتصد تومان باز در اینجا نوشته شده با اینکه سابقاً از هر عملی که میدادیم حالا هم آن محل بجای خودش باقی است باز از همان محل داده شود

بودجه سه هزار و سیصد به بندرا به مرض آقایان می رسانم که ملاحظه فرمائید ما چه قدر برای تعمیرات و ماشین مطبیه رای دادیم که پول بگیرند بازم اینجا ضمیمه شده

در سه هزار و سیصد برای اناتیه و تعمیرات هزار و سیصد و پنجاه تومان داده شد

میکتم که موضوع مطبیه مجلس را آقایان نمایندگان دیدند که یک مطبیه خوب و کامل شده است

حالا از نقطه نظراتیکه برای سایر مطابع خوب است یا بد است کار نداشتیم ولی قضایا را از نقطه نظراتیکه برای مملکت چه چیز مفید است بحث میکنم

مطبیه مجلس یک مطبیه خوب و کاملی شده و اسباب و ادوات و یاماشینهای متعدد پیدا کرده است ولی امروز در حال حاضر برای مطبیه مطبوعات و چاپ کردن کتاب در مطبیه مهتر از همه چیز ماشین کافه سازی است زیرا مطبیه در ایران شاید بقدر کافی باشد امروز در طهران باستثنای مطبیه مجلس چهار مطبیه دیگر هست که مطبیه مجلس بتنهائی مسازی با آن چهار مطبیه است

ولی متأسفانه ادارای یک ماشین کافه سازی نیستند و باید صاحبان کتات و صاحبان تالقات یک بند کافه را که در بران یک تومان میخرند در طهران بهفت تومان باید بخرند و اگر فقط پولی را که دولت برای کافه میدهد حساب کنیم شاید سالی سیصد هزار تومان بشود

در این صورت در خارج مجلس آقایان رقفاً مذاکراتی شد که یک پیشنهادی بشود برای تأمین این مقصود و آن این بوده که عایدی مطبیه و باغ بهارستان تخصیص داده شود برای وارد کردن یک ماشین کافه سازی در تحت نظر اداره مباشرت که الان با کارخانه های آلمان ارتباط دارد زیرا ما هم وقتی می خواهیم از یک مملکتی یک چیزی وارد کنیم ابتدا باید از اشخاصی که اطلاع با اوضاع آن مملکت دارند کسب اطلاع کنیم و آقای ارباب بهیوی اطلاع دارند و توضیح خواهند داد

یک پیشنهاد دیگری هم بکنم که بعضی از آقایان معترض و مرشدان تهیه شده است که تسریع میکند این نظریه را که زودترین کار انجام شود آن پیشنهاد بشکل ماده الحاقیه است که بعد مطرح میشود و بهتر این نظریه تأمین میشود

بنده گمان میکنم با تصویب این ماده در سال آتی با جدیتی که آقای ارباب دارند در کارهای خودشان خیلی تمیز و نظیف کار میکنند این مقصود زود تر انجام بیاید

مغیر کمیسیون این پیشنهاد را با کمال مسرت می پذیرد حاضر است که همانطور که پیشنهاد کرده اند آقایان هم رای بدهند

رئیس - آقای گل زرونی

(اجازه)

گل زرونی - موافقم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - موافقم

رئیس - آقای انصاری

در قسمت حروف چینی که یازده نفر بتفاوت مبلغ دوست و چهل و پنج تومان در ماه نوشته شده ۱۴ نفر و از قرار ماهی دوست و سیصد و پنجاه تومان و هفتصد و بیست و پنج تومان ذکر شده مترجم و منقش دو نفر بتفاوت حقوق از مبلغ هشتاد و چهار تومان نوشته شود که جمعاً در سال سیصد و هشتاد و چهار تومان از قسمت اول کسر و بر قسمت دوم اضافه می شود

رئیس - آقای ارباب توضیحی دارید

ارباب کیخسرو - توضیح همان است که در اینجا عرض شده است چون این جا نظر ضرورت و زیادی کار مطبیه یک نفر منقش که سابقاً از اعتبار داده می شده در موقع نوشتن بودجه از قلم افتاده است ولی برای این که در این جا تفاوتی در بودجه بود جمع کل حاصل نشود و از این جهت از آن قسمت کسری می شود و بر قسمت دیگر اضافه میشود

رئیس - آقای مغیر چه میفرمایید

مغیر - بنده هم موافقم و اوضاع هم کرده ام

رئیس - رای گرفته می شود بپاده سه

باین اصلاحی که شده آقایان موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده چهار قرائت می شود

(بمضمون سابق خوانده شد)

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده مستخدم که کلامه جرایم هم اضافه شود برای اینکه بیشتر از محل جرایم بعضی خرجهای داخلی مجلس پرداخته میشود و ما حقیقتاً آن ساعتی که مشغول کار نیستیم ذیحق نیستیم که از صندوق عمومی حقوق بگیریم و این حقیقت جزو عایدات کلی مملکتی است و همین شکل عایدات مطبیه و باغ جزء عایدات عمومی میباید جریبه هم باید ضمیمه آن ها بشود

رئیس - آقای شریعت زاده

(اجازه)

شریعت زاده - مخالفتی با ماده نشده است فقط پیشنهاد کرده اند عایدات جرایم هم داخل شود تصور میکنم اگر پیشنهاد کنند مجلس هم رای بدهد اولاً با ماده مخالفتی نکرده اند

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - بنده همانطور که عرض کردم طرز انشاء این ماده نظر آقای حائری زاده را ممکن است تأمین کند ولی نظر بنده را تا همین نمیکنم

بنده بیک ناسباتی که اکثریت مجلس هم قائل شده اند البته مایک موسساتی لازم

میکتم که موضوع مطبیه مجلس را آقایان نمایندگان دیدند که یک مطبیه خوب و کامل شده است

حالا از نقطه نظراتیکه برای سایر مطابع خوب است یا بد است کار نداشتیم ولی قضایا را از نقطه نظراتیکه برای مملکت چه چیز مفید است بحث میکنم

مطبیه مجلس یک مطبیه خوب و کاملی شده و اسباب و ادوات و یاماشینهای متعدد پیدا کرده است ولی امروز در حال حاضر برای مطبیه مطبوعات و چاپ کردن کتاب در مطبیه مهتر از همه چیز ماشین کافه سازی است زیرا مطبیه در ایران شاید بقدر کافی باشد امروز در طهران باستثنای مطبیه مجلس چهار مطبیه دیگر هست که مطبیه مجلس بتنهائی مسازی با آن چهار مطبیه است

ولی متأسفانه ادارای یک ماشین کافه سازی نیستند و باید صاحبان کتات و صاحبان تالقات یک بند کافه را که در بران یک تومان میخرند در طهران بهفت تومان باید بخرند و اگر فقط پولی را که دولت برای کافه میدهد حساب کنیم شاید سالی سیصد هزار تومان بشود

در این صورت در خارج مجلس آقایان رقفاً مذاکراتی شد که یک پیشنهادی بشود برای تأمین این مقصود و آن این بوده که عایدی مطبیه و باغ بهارستان تخصیص داده شود برای وارد کردن یک ماشین کافه سازی در تحت نظر اداره مباشرت که الان با کارخانه های آلمان ارتباط دارد زیرا ما هم وقتی می خواهیم از یک مملکتی یک چیزی وارد کنیم ابتدا باید از اشخاصی که اطلاع با اوضاع آن مملکت دارند کسب اطلاع کنیم و آقای ارباب بهیوی اطلاع دارند و توضیح خواهند داد

یک پیشنهاد دیگری هم بکنم که بعضی از آقایان معترض و مرشدان تهیه شده است که تسریع میکند این نظریه را که زودترین کار انجام شود آن پیشنهاد بشکل ماده الحاقیه است که بعد مطرح میشود و بهتر این نظریه تأمین میشود

بنده گمان میکنم با تصویب این ماده در سال آتی با جدیتی که آقای ارباب دارند در کارهای خودشان خیلی تمیز و نظیف کار میکنند این مقصود زود تر انجام بیاید

مغیر کمیسیون این پیشنهاد را با کمال مسرت می پذیرد حاضر است که همانطور که پیشنهاد کرده اند آقایان هم رای بدهند

رئیس - آقای گل زرونی

(اجازه)

گل زرونی - موافقم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - موافقم

رئیس - آقای انصاری